

## با آثار و نوشته‌های از:

هزاره‌ی اول اطلاعات روز

محمد جواد سلطانی

اطلاعات روز؛ اطلاع‌رسانی ارزش‌مدار

حشمت رادفر

موضع ثابت و نگاه مستقل

عبدالله وطندار

سه شب‌گرد

(سگ، روزنامه‌نگار و پولیس)

حمید فیدل

در انتظار هزاران شماره‌ی دیگر

شاه‌حسین مرتضوی

حقوق بشر در اطلاعات روز

جواد رها

ترجمه، نقش و جایگاه آن

در رسانه‌های افغانستان

بهار مهر

روزنامه می‌ماند

خلیل پژواک

ما را گمان فتد که بمانی هزار سال!

الباس نواندیش

هزارمین روز عمر یک روزنامه

محمود حکیمی

دلم برای اطلاعات روز تنگ می‌شود

بسم‌الله محبت

هزار روز روزنامه‌نگاری، هزار رنج و هزار امید

هادی دریایی

رسانه‌های آزاد و بحران مداوم مالی

رضا فرزام

آغاز دشوار با آرمان بزرگ

قدرت‌الله احمدی

در فرخندگی هزارمین نفس سکوی

دادخواهی و مردم‌سالاری

خادم حسین کریمی

اطلاعات روز؛ تجربه‌ی موفق

نسل دانشگاهی افغانستان

هادی صادقی

راه پر سنگلاخ «اخبار» تا «روزنامه»

داوود ناجی

اطلاعات روز، «هزاره دوم»

و فصل دشوار اطلاع‌رسانی

آصف آشنا

و اینک، گام هزارم

معصومه عرفانی

اطلاعات روز یک ارزش است

سخی خالد

هزار و یک حرف در مورد اطلاعات روز

ذکی دریایی

# دینار روز



شنبه ۱۰ دلو ۱۳۹۴ ◀ سال پنجم

SATURDAY ● 30 JANUARY 2016 ● 5<sup>TH</sup> YEAR



ذکی دریابی

## هزار و یک حرف در مورد اطلاعات روز

**یکم:** سال ۲۰۱۱ رو به پایان بود؛ پس از پایان دوران چهار ساله‌ی دانشگاه و تجربه‌ای ناخوشایند از کار در دولت، اندیشه‌ی ایجاد روزنامه که مدتی ذهنم را به خود درگیر کرده بود تبدیل به یک تصمیم شد و روزنامه‌ی «اطلاعات روز» از جنوری سال ۲۰۱۲ آغاز به انتشار کرد. نه ماه بعد، امکانات مالی روزنامه به پایان رسید و نوار چاپ منظم و پیوسته‌ی آن نیز قطع شد.

مدتی بعد قرارداد خانه نیز به پایان رسید و آرشیف سنگین اطلاعات روز، هزاران نسخه از نخستین شماره‌های روزنامه که بیشتر پر بود از مطالب سرگرم‌کننده و تفریحی، بی‌جا شدند و سر از ناوایی درآوردند.

مدتی بعد در یک قرارداد خوب کاری، اطلاعات روز در عوض تهیه‌ی مطالب روزنامه‌ی انگلیسی زبان «The Afghanistan Express» دوباره وارد عرصه شد. اما این وقفه، نقطه‌ی عطفی برای اطلاعات روز بود. این شروع دوباره، با تغییرات مهمی در رویکرد و پالیسی این رسانه همراه بود. اطلاعات روز، به‌عنوان یک نهاد اطلاع‌رسانی، از روزنامه‌ای که غالب هشت صفحه‌اش با مطالب جالب و علمی و دانستی‌ها پر شده بود، این‌بار اولویت خود را تغییر داد و با پرداختن فعالانه در حوزه‌ی مسایل سیاسی، گام بلندی در مسیری برداشت که تاکنون نیز با افت‌وخیزهای فراوان، هیجان‌ها و ناامیدی‌ها، ادامه یافته است. اینک، اطلاعات روز به شماره‌ی هزارم رسیده است.

**دوم:** دسته‌بندی رسانه‌ها در افغانستان کار دشوار است. این دشواری ناشی از تفاوت‌های عمیق در مدیریت، خطوط نشراتی، موضع‌گیری‌ها، منابع مالی و فهم متفاوت از رسانه و مطبوعات است. در چند سال گذشته، رشد کمی و کیفی رسانه‌ها، سریع‌تر و قابل دفاع‌تر از هر زمان دیگری است. اما در عین حال، این تعدد و رشد کمی و کیفی با نقدهای جدی نیز مواجه است. مهم‌ترین ویژگی مشترک اکثریت رسانه‌ها در چند سال گذشته، سرمایه‌گذاری یک جریان سیاسی و رهبران قومی برای کارهای رسانه‌ای و رسانه‌داری بوده است. رسانه‌های بی‌شماری در چند سال گذشته با پول‌های استخباراتی توسط گروه‌های سیاسی- قومی فعالیت کرده است تا تریبون شخصی برای سخنوری و بازی با افکار عمومی باشند. اما از جانب دیگر، رسانه‌های خصوصی دیگری نیز در چند سال گذشته ایجاد و منتشر شده‌اند که از این لحاظ متفاوت اند و تریبون شخصی صاحب امتیازشان نمی‌باشند. اطلاعات روز در میان رسانه‌های افغانستان، از این لحاظ در صدر این نوع سرمایه‌گذاری و کار برای رسانه می‌باشد. اطلاعات روز تا این شماره با کار و تلاش مشترک جمعی از فرهنگیان، دانشگاهیان و جوانان بدون اعمال هیچ سانسور تریبون و صفحه‌ی بوده است برای همه. ستون نویس، تحلیل‌گر، مترجم، گزارشگر، خبرنگار و آنانی که هر از گاهی برای اطلاعات روز می‌نویسند، همه تنوع‌گران پالیسی بوده‌اند که بر خلاف بسیاری رسانه‌ها در اطلاعات روز به گونه‌ی بسیار تعریف شده و روشن تا هنوز وجود ندارد. از این رو ما در اطلاعات روز ضمن این که قوانین رسمی کشور را لحاظ می‌کنیم، اما قواعد رسمی برای این که چه نظری را منتشر می‌کنیم و چه نقدی را نه، نداریم. نویسندگان آزادند نقد کنند و نظر بدهند، بدون این که از جانب اطلاعات روز با محدودیت‌ها و سانسورهای موضع‌گیری و پالیسی رسمی مواجه باشند. از این رو، اطلاعات روز با همکاری جمعی از جوانان و دانشگاهیان هم‌چنان با این توافق منتشر خواهد شد که حق «آزادی بیان، نظر و عقیده»ی همه‌ی افراد را محترم بماند و حمایت کند. پس این روزنامه هم‌چنان برای نویسندگان و فرهنگیان به عنوان تریبونی که بتوان در صفحات آن با مردم حرف زد، بر فکر و نظر عمومی تأثیر گذاشت و روندهای کلان ملی را زیر ذره‌بین نقد گرفت، خواهد ماند و رسانه‌ای است مشترک در میان رسانه‌هایی که تریبون شخصی افراد اند.

**سوم:** حق آزادی بیان به ما این امکان را می‌دهد که برای حقوق مدنی و سیاسی خود تلاش کنیم و مبارزه. خوشبختانه در چهارده سال گذشته، ظرفیت‌های انسانی خوبی برای پیگیری و مبارزه برای تحقق این حقوق «مدنی و سیاسی» به‌وجود آمده است. اطلاعات روز از جهت دیگر در چند سال گذشته رسانه‌ای بوده است برای طرح و پیگیری نظری و عملی این حقوق. یک هزار شماره‌ی اول اطلاعات روز پُر است از مقالات، یادداشت‌ها و طرح و راه حل‌هایی برای رسیدن به حقوق مدنی و سیاسی. همه‌ی همکاران و آنانی که برای اطلاعات روز یادداشتی فرستاده‌اند، در این یک هزار شماره نه تنها از رخدادهای مربوط به نقض و تأمین حقوق مدنی و سیاسی شهروندان افغانستان خبر، گزارش و تحلیل منتشر کرده است، بلکه برای تأمین این حقوق، در کنار اعتراض‌های مسالمت‌آمیز و نقدهای منطقی و قانونی ایستاده است.

از این منظر، اطلاعات روز نه تنها تریبونی برای بیان دیدگاه‌ها و رسانه‌ای برای اطلاع‌رسانی است، بلکه نهادی برای حمایت از حقوق مدنی و سیاسی در یک جامعه‌ی سستی و در یک نظام شبه دموکراتیک است. این رسانه هم‌چنان برای پیگیری و حمایت از حقوق مدنی و سیاسی و جمله آزادی‌های که منجر به آگاهی خواهد شد، فعالیت خواهد کرد و بدون هیچ محدودیت و ملاحظه‌ای در نقد و اصلاح سیاست و برای تأمین حقوق مدنی و سیاسی منتشر خواهد شد.

**چهارم:** هزار شماره‌ی اول اطلاعات روز با همکاری صاحب نظران، فرهنگیان، نویسندگان و همت همکارانم در اطلاعات روز منتشر شد. از همه‌ی همکاران در این چهار سال مدیونم و ممنون. از جانب خودم و همکارانم از نویسندگانی که برای آگاهی و اطلاع‌رسانی و تأثیرگذاری ما را یاری رساندند، سپاس گذاریم.

اما اینک، در هزارمین شماره، روزنامه را اختصاص دادیم به نقد و نظر دیگران در موردکار رسانه‌های چاپی و مشخصاً اطلاعات روز. از نقدها، پیشنهادها و یادداشت‌های دیگران برای بهبود در اطلاعات روز استفاده خواهیم کرد و با نشر این شماره و حمایت معنوی و فکری نویسندگان و همکاران، مسئولانه‌تر و مشتاق‌تر به کار در اطلاعات روز ادامه خواهیم داد. امیدواریم تلاش‌های ما و مبارزات فرهنگی و سیاسی جمعی از فرهیختگان و فرهنگیان این سرزمین منجر به پدید آوردن آگاهی برای مردمی شود که رنج جهالت و جبر اشتباهات در سیاست را می‌کشند.

محمدجواد سلطانی  
مدیرمسئول روزنامه  
جامعه‌ی باز

# هزاره‌ی اول اطلاعات روز

که در آن به سرنوشت این قبیله‌ها بعد از ظهور پاکستان و تغییرات بنیادی در جغرافیای سیاسی پرداخته بود، و چون بیرون از حلقه‌ی دربار و حکومت بود، امکان نشر آن را در روزنامه‌های دولتی نیافت. به‌ناگزیر دست به دامان درباریان و شاه برد تا نوشته‌ی او به دستور شاه اقبال نشر پیدا کند.

روزنامه پدیده‌ای شهری است؛ اما آن‌چه در تمام این سال‌ها بر ما رفت، بازتولید مناسبات اجتماعی قبیله‌ای در شهرها بود. بنابراین با گذشت قرن‌ها، هنوز هم رسانه‌ها در ذهن و ضمیر این آب و خاک، نفرین شده هستند. استبداد سیاسی و بسط آگاهی جامعه‌ی بدوی، چونان آگاهی مسلط، روزنامه و رسانه را چیزی فراتر از «فساد و فحشا» نمی‌داند و نمی‌بیند. به همین دلیل، روزنامه نیز هم‌چنان بی‌رسم و افتان و خیزان خود را تا به عصر و زمانه‌ی ما کشانده است. آگاهی بدوی، نیازی به متن مکتوب نمی‌بیند. کتابت و خواندن به همان پیمان شوم و نفرین شده است که روزنامه و رسانه. میرزا عبدالعلی خان، در صفحه و شماره‌ی نخست شمس‌النهاری، «امرای کامکار و رؤسای نامدار و نوابان و راجگان و والیان ملک» را از پرداخت «قیمت» روزنامه مستثنا کرد. هنوز هم این گروه از این بذل و بخشش‌های میرزا عبدالعلی بهره‌مندند. به‌همین دلیل، روزنامه یعنی هزینه‌های مالی کم‌رشدی که باید خود روزنامه‌نگاران به هر شیوه‌ی ممکن تأمین کنند. اگر از راجگان و نوابان درگذریم، تصور و برداشت شهروندان دیگر نیز جای تامل دارد. کاسبان شهر، «شوق دیدن اخبارات و حصول فواید» آن را در چیزهای غیر از آگاهی و اطلاع‌رسانی می‌بینند.

این روزها که روزنامه و روزنامه‌نگار در میانه‌ی یکی از خشن‌ترین و بی‌رحمانه‌ترین کارزارهای تاریخ رها شده‌اند، روزنامه‌نگارشدن، نوشیدن از جام بلا است؛ برغم آن، در عصری که همه‌چیز و همه‌جا از «دم دیوها» تاریک شده است، نوشتن و روزنامه‌کشیدن، همان نقش دل ماست که در لوح ظلمت، ماندگار خواهد شد. هزاره‌ی اول روزنامه‌ی اطلاعات روز را به دوستان و همکاران ارجمند شادباش می‌گویم و صمیمانه آرزو می‌کنم که هزاره‌های روشن و پربار دیگری را پیش رو داشته باشند.

حالیا نقش دل ماست در آیینه‌ی جام // تا چه رنگ آورد این چرخ  
کیود ای ساقی!

از شمس‌النهاری میرزا عبدالعلی، نزدیک به دو و نیم سده گذشته است. میرزا در نخستین شماره و در ذیل عنوان «اشتهار» نوشته بود: «هر آینه ضمیر صاحبان فضل و کمال و والیان با عز و جلال، مخفی و محتجب نماناد که در این آوان سعادت اقتران که خلاق ممالک افغانستان و ترکستان به زیر سایه‌ی هماپه‌ی بندگان سکندرشان، اشرف امجد، امیر شیرعلی خان بهادر ادام‌الله عمره و اقباله و اجلاله در نهایت امن و امان و آسایش دارند و همواره دعای دولت ابدمدت می‌نمایند و رعایا و شرفای این دیار متوجه کمالات گردیده، شوق دیدن اخبارات و حصول فواید از آن ورزیدند، لهذا اقل‌العباد میرزا عبدالعلی، حسب‌الفرمایش احباب، اخبار صدق‌آثار مسمی به شمس‌النهاری را در مطبع کابل جاری نموده، اخبارات صدق‌آثار ترکستان و بدخشان و بخارا و هرات و روس قندهار و غیره حدودات از دفاتر سرکار والاتباع حاصل نموده در این اخبار درج نموده خواهد شد و مهما ممکن سعی در این خواهد بود که خبر بازاری و پوچ هرگز در این اخبار درج نگردد.» این گونه بود که میرزا عبدالعلی، سکه‌ی نخستین روزنامه‌ی تاریخ افغانستان را به‌نام خود زد و پدیده‌ی جدیدی را به حاکمان و مردم افغانستان معرفی کرد. اگر شمس‌النهاری میرزا عبدالعلی را نقطه‌ی عزیمت تاریخ روزنامه‌نگاری در افغانستان در نظر بگیریم، روزگار بلندی سپری شده است؛ اما برغم این راه طولانی و دشوار، تجربه‌ی روزنامه و روزنامه‌نگاری در این سرزمین، از سفر پیدایش فاصله‌ی زیادی نگرفته است. این نابالغی البته، به متن و زمینه‌های تاریخی و اجتماعی ما برمی‌گردد. فاقه‌ی فرهنگ و عسرت دانایی در این قرن‌های تاریخ، به‌گونه‌ای بود که سواد خواندن و نوشتن آرزوی دور و سودای دراز است.

شمس‌النهاری در پی نشر و پخش «اخبارات صدق‌آثار» بود؛ اما با گذشت زمان، این روزنامه در حد مدح‌نامه‌های سخیف و تملق‌گویی‌های دربار و سلطنت مبدل شد. حکومتی‌بودن روزنامه‌ها و جریده‌های دیگری که در زمان‌های بعدی برآمدند، فرصت زیادی برای کسانی که در این حلقه جای و جایگاهی نداشتند، باقی نمی‌گذاشت. در زمان سلطنت محمدظاهر شاه، وقتی برای نخستین‌بار مسئله «پشتونستان» و سرنوشت قبیله‌های آن سوی دیورند به میان آمد، مرحوم میر محمدصمدیق فرهنگ مطلبی نوشت



قدرت‌الله احمدی

اطلاعات روز، با پیمودن مسیری طولانی، اینک وارد هزاره‌ی دوم شد. آغاز این کار بزرگ، برای خیلی‌ها دشوار و اساساً غیرممکن به‌نظر می‌رسید. اواخر سال ۱۳۹۰ بود که ذکی دریابی، برنامه‌ی خود را برای آغاز این کار، در یک مهمانی با جمعی از دوستان در میان گذاشت. آن موقع، همه مخالف این کار بودند؛ کسی موافق نبود تا دریابی بدون پشتوانه‌ی مالی قوی وارد این کار شود. دلیل مخالفت هم روشن بود؛ دریابی به تازگی از دانشگاه فارغ شده و درگیر مشکلات مالی بود. از سوی دیگر، نگاه دریابی به این کار، خیلی هدف‌مندانه و آرمانی بود. به این معنا که دریابی درصدد انجام کار پروژه‌ای نبود. بلکه در نظر داشت رسانه‌ای ایجاد کند که بدون هیچ‌گونه وابستگی سیاسی، هم بتواند منابع مالی خود را تأمین کند و هم رسالت آگاهی‌بخشی خود را مستقلانه به انجام رساند. چنین نگاهی به کار رسانه‌ای، با نگاه غالب در جامعه خیلی متفاوت بود. معمولاً کار رسانه‌ای در افغانستان خیلی در گرو تعلقات سیاسی و گروهی است، و یا این که نگاه مدیران رسانه‌ها به کارشان، پروژه‌محور و اقتصادی است. چنین چیزی اگرچند به رشد قارچ‌وار رسانه‌ها در طی یک دهه‌ی گذشته در کشور منجر شد، اما کم‌تر رسانه‌ای به‌وجود آمد تا جریان فکری مشخصی را ایجاد کند و بر سر آن متعهدانه باقی بماند.

## آغاز دشوار با آرمان بزرگ

اطلاعات روز با همه‌ی مخالفت‌ها کار خود را آغاز کرد. همکاران روزنامه با اشتیاق تمام، برای روشنگری جامعه‌ای غرق در ظلمت و تاریکی، تلاش کردند تا اطلاعات روز شمع‌ی در این ظلمت‌کده باشد. آن‌ها به این کار عشق می‌ورزیدند. با وجود همه‌ی دشواری‌ها، اطلاعات روز بستری برای تمرین نقادی و روشنگری در کشور گردید. سیاست کلی در روزنامه‌ی اطلاعات روز، حمایت از ارزش‌های انسانی، حقوق بشر، دموکراسی، عدالت و آزادی بود. در این راه، هیچ کوتاهی صورت نگرفت و هرجا لغزشی وجود داشت و هرجا از ارزش‌های فوق‌عدول شد، اطلاعات روز با زبان رسا آن را نقد کرد. آرمان اصلی این بود که خرد نقاد در جامعه شکل بگیرد و با این کار، جامعه‌ی بهتر و آینده‌ی روشن‌تری به‌وجود آید.

بی‌گمان، اطلاعات روز با چنین نگاهی به جایگاه بلندی در خانواده‌ی مطبوعات کشور دست یافت. آن‌چه که در آغاز غیرممکن و ناشدنی به‌نظر می‌رسید، امروز اتفاق افتاده است. همکاران روزنامه، با پشتکار و تعهدی بالا، این کار را انجام دادند. حالا اطلاعات روز، زبان گویای نقاد و روشنگری در جامعه‌ی ما است. تجربه‌ی اطلاعات روز، درس اخلاقی مهمی دارد. روشنگری در جامعه، مسئولیت بزرگی دارد. این کار نباید دست‌خوش مطالبات شخصی و گروهی افراد گردد.

# رسانه‌های آزاد و بحران مداوم مالی



رضا فرزام  
نویسنده و استاد دانشگاه



شنبه

۱۰ دلو ۱۳۹۴

سال پنجم

افغانستان که شرکت‌های خصوصی با پشتوانه‌ی رسانه‌ها سود هنگفتی را به دست می‌آورند، این یک ضرورت است. دولت و نهادهای مدافع رسانه‌ها می‌توانند با ایجاد صندوق حمایتی، هم از منابع تبلیغات دولتی و هم از منابع حمایتی نهادهای بین‌المللی حامی رسانه‌های آزاد، در صورت ضرورت از رسانه‌هایی که واجد شرایط برای دریافت این کمک‌ها هستند، حمایت کنند. ایجاد چنین صندوقی با حمایت رسانه‌ها و با خلق مکانیزم شفاف، می‌تواند یکی از جدی‌ترین راه‌حل‌ها باشد.

از میان‌برداشتن مالیات بر فعالیت رسانه‌ها، کاهش تعرفه‌های گمرکی بر واردات کاغذ و ماشین‌آلات چاپ، مشخصاً حمایت از رشد صنعت چاپ و رقابتی‌سازی این فعالیت‌ها و در مواردی سوبسایدی (یارانه)‌های مستقیم دولت، موارد دیگری هستند که دولت می‌تواند از رسانه‌های آزاد حمایت نماید.

اما در کنار این راه‌حل‌ها، مهم‌ترین راهکار برای حمایت مالی از رسانه‌های آزاد، ایجاد تغییرات در قانون بانکی و فراهم‌کردن سهولت‌های لازم برای قرضه‌های کوچک و متوسط توسط سیستم بانکی می‌باشد. در اکثریت کشورهای جهان، بانک‌های خصوصی و دولتی، با حمایت دولت، قرضه‌هایی را با کم‌ترین نرخ سود در اختیار گروه‌های خاص قرار می‌دهند؛ مانند قرضه‌های آموزشی. این راهکار در مورد رسانه‌ها نیز قابل تطبیق است. دولت اگر اراده‌ی جدی در مورد حمایت از رسانه‌ها داشته باشد، می‌تواند با ایجاد تغییرات در سیستم بانکی کشور، زمینه را برای اعطای قرضه‌های کوتاه‌مدت و درازمدت برای رسانه‌ها فراهم سازد. این سیاست هم عملی است و هم مؤثر.

مواردی که ذکر شدند، تعدادی از مهم‌ترین راهکارهای حمایت مالی از رسانه‌ها می‌باشند. آنچه مهم است، ضرورت حمایت از رسانه‌های آزاد و مستقل می‌باشد. تقویت رسانه‌ها ضروری‌ترین عنصر برای ثبات و توسعه است و دولت مکلف است تا زمینه‌های لازم برای حمایت‌های همه‌جانبه از رسانه‌ها را ایجاد نماید.

فعالیت‌ها می‌باشد. مثلاً، دولت مکتب می‌سازد، چون آموزش علاوه بر توانمندسازی افراد، دارای پیامدهای بی‌شمار اجتماعی است. رسانه‌ها نیز دارای چنین کار ویژه‌ای می‌باشند. رسانه‌های آزاد، دارای «اثرات مثبت خارجی» بوده و علاوه بر این‌که از طرز تفکر خاص سیاسی پیروی می‌کنند، دارای آثار مثبت خارجی فراوانی می‌باشند. رسانه‌ها سطح آگاهی جامعه را بالا می‌برند، میزان مشارکت مردم در روند تصمیم‌گیری‌های سیاسی را افزایش می‌دهند و مردم را در قبال نظارت بیشتر و جدی‌تر از عملکرد نهادهای دولتی حساس‌تر می‌سازند. تمامی این موارد، در نهایت به تقویت حکومت‌داری خوب و ایجاد شفافیت کمک می‌کنند.

چهارم) رسانه‌ها با وجود نگاه انتقادی نسبت به سیاست‌های دولت، زمینه را برای بهبود وضعیت عمومی فراهم می‌سازند. رسانه‌ها موجب تقویت ثبات سیاسی شده و روند حکومت‌داری خوب را تقویت می‌کنند.

## راهکارهای حمایت مالی از رسانه‌ها

در ادامه تعدادی از مهم‌ترین دلایلی که حمایت مالی دولت از رسانه‌ها را توجیه می‌کنند ذکر شده‌اند اما نوع حمایت و مکانیزم حمایتی مالی از رسانه‌ها، نکته‌ی دیگریست که نیازمند توجه جدی است. دولت می‌تواند به‌صورت مستقیم و یا غیرمستقیم از رسانه‌ها حمایت مالی نماید.

ایجاد مکانیزم شفاف برای توزیع عادلانه‌ی تبلیغات دولتی، به‌گونه‌ای که استقلال رسانه‌ها را آسیب‌پذیر نسازد، یکی از این راه‌حل‌ها می‌باشد. نهادهای مدافع رسانه‌ها در کشور فعال هستند و می‌توانند تبلیغات نهادهای دولتی را به‌صورت عادلانه بین رسانه‌ها توزیع نمایند. هم‌چنین دولت می‌تواند با تحت فشار قراردادن شرکت‌های خصوصی و خلق نورم مشخصی برای تبلیغات، که زمینه‌ی ارزش‌گذاری‌های غیر از نیازمندی بازار را تشویق کند، تاحدی زمینه را برای توزیع عادلانه‌تر تبلیغات فراهم سازد. هرچند این سیاست مخالف نورم‌های پذیرفته‌شده‌ی بازار آزاد است، اما در کشوری مثل

ممکن است استقلال این رسانه‌ها را از بین ببرند، نباید از منابع مالی عمومی مورد حمایت قرار گیرند، اما افرادی هستند که از حمایت مالی رسانه‌های خصوصی از طرف دولت طرف‌داری می‌کنند. در کشوری مثل افغانستان که بازار تبلیغات به‌شدت وابسته به ارزش‌گذاری‌های قومی، سمتی و مبتنی بر روابطاند و بازار به معنای واقعی آن هنوز شکل نگرفته است، دشواری‌های زیادی برای رسانه‌ها وجود دارد. شرکت‌های تجاری و تولیدی خصوصی اکثر ارزش‌گذاری‌های غیر از نیازمندی بازار را در تبلیغات رسانه‌ای شان اعمال می‌کنند و تبلیغات نهادهای دولتی که چشم‌گیرند، برعلاوه‌ی در نظر داشت ارزش‌گذاری‌های قومی و سیاسی، توسط فساد اداری گسترده، در انحصار چند رسانه که اکثرًا از میزان تأثیرگذاری اندکی برخوردارند قرار گرفته است. بازار تبلیغات دولتی به‌شدت «کثیف» و مبتنی بر محاسبات غیر عقلانی و ناعادلانه است.

## ضرورت حمایت مالی از رسانه‌ها

اول) حمایت مالی دولت از رسانه‌های آزاد خصوصی، به چند دلیل ساده قابل دفاع است. براساس قانون اساسی کشور، دولت مکلف به حمایت از آزادی بیان است. آزادی بیان محوری‌ترین ارزش در نظام‌های دموکراتیک به‌شمار رفته و با رسانه‌های خصوصی معنا می‌یابد. حمایت از رسانه‌های آزاد، حمایت از آزادی بیان می‌باشد. برای تقویت آزادی بیان و دموکراسی، حمایت تمام و کمال دولت، خصوصاً در قالب حمایت مالی از رسانه‌های آزاد، ضروری‌ترین نیازمندی است.

دوم) همان‌گونه که دولت از صنایع نوپا و تولیدات داخلی به‌هدف دست‌یافتن به رشد اقتصادی بالاتر حمایت می‌نماید، حمایت از رسانه‌ها نیز می‌تواند تأثیرات درازمدت‌تری بر روندهای توسعه داشته باشد. رسانه‌های آزاد پیش‌نیاز روند توسعه‌ی اقتصادی هستند. بنابراین، حمایت از رسانه‌های آزاد این روند را تسریع کرده و ضمانت‌های جدی برای توسعه‌ی پایدار خلق می‌کند. سوم) یکی از مهم‌ترین دلایل حمایت دولت از بعضی پروژه‌ها و فعالیت‌های عمومی، آثار خارجی مثبت این

رسانه‌های آزاد را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دست‌آورد‌های سیزده سال اخیر در افغانستان می‌دانند. این ادعا تا حد زیادی درست است، به دلیل این‌که تجربه‌ی رسانه‌های آزاد در جریان سیزده سال گذشته، در تمام تاریخ افغانستان بی‌نظیر و به‌صورتی چشم‌گیر موفقیت‌آمیز بوده است. رشد سریع رسانه‌ها در کشور بر مبنای سازوکار بازار، به‌عنوان مکانیزم هماهنگ‌کننده‌ی فعالیت‌های اقتصادی-اجتماعی صورت گرفته و توانسته است انحصار اطلاعاتی در جامعه را در هم شکسته و گام‌های مؤثری در راستای تقویت حکومت‌داری خوب، شفافیت، توسعه‌ی تجارت و آزادی بیان بردارد.

در میان رسانه‌های چاپی، روزنامه‌ی اطلاعات روز یکی از تأثیرگذارترین و درعین‌حال جدی‌ترین رسانه‌هایی بوده است که با وجود تمامی چالش‌های دست‌وپاگیر توانسته است با رویکردی تخصصی و انتقادی، نقشی در بهبود وضعیت بازی کند. با وجود چنین نقش مؤثری، اما حمایت‌های لازم از این رسانه‌ها صورت نگرفته است و آن‌ها با چالش‌های جدی مواجه هستند. تهدیدهای امنیتی، عدم دسترسی به اطلاعات، فقدان حمایت‌های قانونی و بالاخره چالش مالی، مهم‌ترین مواردی‌اند که زمینه را برای رشد رسانه‌های خصوصی آزاد، به‌خصوص رسانه‌های چاپی محدود ساخته‌اند. اکثریت رسانه‌های آزاد و به شکل خاص رسانه‌های چاپی مستقل، با مشکل منابع مالی مواجه هستند. بحران مالی رسانه‌ها، که اطلاعات روز یکی از آن‌هاست، به‌صورتی ویران‌کننده بقا و ادامه‌ی این رسانه‌ها را با تهدید مواجه کرده است. سقوط رسانه‌های آزاد به دلیل محدودیت امکانات مالی، به‌معنای سقوط دموکراسی و تمامی ارزش‌های مدرنی است که در سیزده سال گذشته به‌صورت نیمه‌جان شکل گرفته است.

یکی از زمینه‌هایی که رسانه‌های چاپی به صورت ویژه به حمایت ضرورت دارد، تلاش در راستای برداشتن موانع مالی می‌باشد. حمایت مالی دولت از رسانه‌های خصوصی، با بحث‌های وسیعی همراه است. بعضی استدلال می‌کنند که رسانه‌های خصوصی، به دلیل این‌که خصوصی‌اند و



محمود حکیمی/شاعر

## هزارمین روز عمر یک روزنامه

شبی که ذکی دریایی برای مشورت در مورد راه‌اندازی یک روزنامه به خانه آمده بود، من علی‌رغم باوری که به پشتکار و انرژی ذکی داشتم، اما ته دلم بسیار سنگین می‌آمد که در این شهر نتوان روزنامه‌ای با امکاناتی که اصلاً ذرک ندارد راه انداخت. با آن هم ولی من دست از تشویق ذکی نکشیدم. فکر می‌کردم این جوان می‌تواند راه خودش را در میانه‌ی هیاهوی ده‌ها روزنامه و نشریه پیدا کند؛ نشریه‌هایی که اکثرًا خطنامه‌ی فکری-سیاسی خاص خود را ندارند، و بسیارند از آن‌هایی که فقط مطالب را از اینترنت می‌گیرند و لباس چاپ بر آن می‌پوشانند.

به‌هر ترتیب، روزنامه‌ی اطلاعات روز در میان همین کمبودی‌ها و ناملایمات کارش را شروع کرد. تا چندی، روزنامه را دنبال می‌کردم و بنا بر خاصیتی که در خونم جاری است، قبل از هر چیزی به املا و انشای نوشته‌ها و گونه‌های درست‌نویسی و خبری آن متمرکز می‌شدم. از همان روزهای اول، اعتماد فوق‌العاده‌ی به روزنامه و کار جوانانی که در اطلاعات روز گرد آمده بودند پیدا کردم. بعدها صفحه‌ستون‌های ویژه‌ای در این روزنامه باز شد که برای من بسیار خواندنی بودند. ستون خبرنگار ناراضی خواننده را تا آخر به دنبال خود می‌کشید، و پسان‌ترها نوشته‌های طنزی سخنیاد هاتف حال و هوای خاصی به اطلاعات روز داد. مهم‌تر از همه اما، مدیرمسئول و دبیران اطلاعات روز می‌دانستند کدام خبر و ... تیتیر شوند؛ تیتیرنویسی از ویژگی‌های منحصر به فرد روزنامه است. روزنامه‌ای که تیتیر خبری ندارد، مثل پیرمرد از کار افتاده‌ای است که فقط در برابر آفتاب لم می‌دهد. جوانان اما، پر شور و نشاط به جست‌وجوی می‌پردازند، گرچند گاهی ممکن است در وسط بازی بلغزند، اما خوبی کار در این است که زود بر سر پا می‌ایستند و تجربه می‌گیرند و تجربیات‌شان را به کار می‌اندازند. از این رهگذر است که من اطلاعات روز را در زمره‌ی بهترین‌ها قرار داده‌ام و اینک هزارمین روز عمر این مولود عزیز را به همه‌ی دست‌اندرکاران و مسئولان آن روزنامه تبریک می‌گویم.



شاه‌حسین مرتضوی  
سر‌دبیر روزنامه هشت صبح

## در انتظار هزاران شماره‌ی دیگر

عمر رسانه‌های چاپی در کشور کوتاه است. پس از سه ماه، شش ماه، یک سال و یا دوسال سقوط کرده‌اند. در کابل و اکثر ولایت‌های کشور، وضعیت به همین گونه است. شاید هیچ رسانه‌ی چاپی موفق نشده باشد به خودکفایی برسد. خرید روزنامه به فرهنگ بدل نشده است. توزیع اعلانات دولتی عادلانه نیست، و اعلانات شرکت‌های خصوصی نیز اکثرًا در اختیار تلویزیون‌ها و رادیوها قرار داده می‌شوند. با این وصف، کار رسانه‌های چاپی در کشور با دشواری‌های زیادی همراه است. گذشته از این، با توجه به رشد رسانه‌های تصویری و شنیداری، آژانس‌های خبری و فضای مجازی، کار رسانه‌های چاپی نیز در عرصه‌ی اطلاع‌رسانی دشوار شده است. رسانه‌های چاپی نمی‌توانند با رسانه‌های تصویری و فضای مجازی در سرعت اطلاع‌رسانی رقابت کنند. رسانه‌های چاپی با تحلیل، شرح بیشتر بر خبرها و گزارش‌های تحقیقی، می‌توانند جایگاه خود را حفظ کنند. جای خرسندی است

- مهم‌تر از همه اما،
- مدیرمسئول و دبیران
- اطلاعات روز می‌دانستند
- کدام خبر و ... تیتیر
- شوند؛ تیتیرنویسی از
- ویژگی‌های منحصر به فرد
- (روزنامه است،
- روزنامه‌ای که تیتیر خبری
- ندارد، مثل پیرمرد
- از کار افتاده‌ای است که
- فقط در برابر آفتاب
- لم می‌دهد. جوانان
- اما، پر شور و نشاط به
- جست‌وجوی می‌پردازند،
- گرچند گاهی ممکن
- است در وسط بازی
- بلغزند، اما خوبی کار
- در این است که زود
- بر سر پا می‌ایستند
- و تجربه می‌گیرند و
- تجربیات‌شان را به کار
- می‌اندازند.



خلیل پژواک  
سردبیر روزنامه جامعه باز

## روزنامه می ماند

در شهر کوچک غزنی، هنوز دکان‌ها کاه‌گلی بودند و نشانه‌های جنگ را می‌شد به روشنی دید. چند دهه‌ی روزنامه‌فروشی زردرنگ در شهر تعبیه شده بود، از «تی» من که تا پیش از آن سر و کارم با حافظ و نصاب و صرف و نحو عربی بود، چیزی زیادی در مورد روزنامه‌ها و کتاب‌ها نمی‌دانستیم. ما در سایه‌ی محرومیت و استبداد طالبان این شانس را داشتیم که حتا به چیزی به‌نام روزنامه و مجله فکر نکنیم. روزی، توجه مرا کاریکاتوری در پشت یکی از هفته‌نامه‌ها جلب کرد. ما قبلاً نقاشی‌های شسته-رفته داشتیم، آن نقاشی ولی از نظر من بسیار غیر عادی و سبک‌سرانه می‌آمد، احساس کردم که نقاش با بی‌حوصلگی خطوطی بر روی کاغذ کشیده و تعجب کردم که چه‌طور آن نقاشی «بی‌ادبانه» چاپ شده است. هفته‌نامه را برداشتم، «کلید» بود و آن روز ورکش زدم. صفحه‌ی هنری داشت و پس از آن من هر روز در جهان سینماگران بالیوود غرق می‌شدم و شهرت و محبوبیت آن‌ها برایم وسوسه‌انگیز بود. من که کودکی‌ام در غیبت روزنامه و کتاب و مجله گذشته بود، از آن هفته‌نامه همان صفحه را دوست داشتیم و دو سال تمام خواندم.

سال‌ها بعد هنوز روزنامه‌ها را ندیده بودم که با ویلاگ آشنا شدم. ویلاگ‌های زیادی در آن زمان فعال بودند و موضوعات متنوعی در آن‌ها یافت می‌شد؛ از قصه‌ی سردرد اول صبح گرفته تا یادداشت مفصل در مورد یک کتاب یا یک اتفاق سیاسی. این طوری تمام ساعت‌ها را می‌ریختم میان صفحات وب و دربه‌در دنبال ماجراها، احوال شخصی مردم و قصه‌های نو و تجربیات دیگران می‌گشتم.

سال دوم دانشگاه برای نخستین بار با دشواری نوشتن در مجله و روزنامه کمی آشنا شدم. پس از این فرصت یافتیم که به پشت صفحات تمیز و مرتب روزنامه‌ها هم نگاهی بیندازم. دانستن این که پشت آن همه ترتیب و نظم صفحه‌ها و مطالب (با اغماض از کیفیت مطالب) یک عالم ریخت و پاش هست و خستگی کسانی که تا نیمه‌شب، از سر اجبار یا شوق، کارشان فشردن یکریز دکمه‌هاست. تا فهمیدم، فیس‌بوک آمده بود؛ بازاری گرم برای قصه کردن، سر و گوش آب دادن و توطئه چیدن و زود از همه چیز خبر شدن. نوار آبی فیس‌بوک ما را آن قدر محو خودش می‌کرد که گاهی از یاد می‌بردیم، خبر و تحلیل را می‌شود بیرون از فیس‌بوک هم یافت. اگر به شماره‌ی روزنامه‌ی اطلاعات روز نمی‌دیدم، احتمالاً باید خبر «اطلاعات روز هزارمین شمارش را منتشر کرد» را باید در فیس‌بوک می‌خواندم.

ما نسل بدبختی هستیم. بدبختی عمده‌ی ما این است که به جای بلند شدن از روی صفحات مجله‌ها و روزنامه‌ها، از روی خاک برخاستیم و تا فهمیدیم که روزنامه‌ها عصره‌ی رنجی‌اند که برای انتشار آگاهی کشیده می‌شود، تغییرات بی‌مثال ارتباطات دیجیتال گیج مان کرد. روزنامه‌ها مخاطبان شان را در میان این نسل بدبخت می‌جویند. نسلی که از گذشته‌ی خالی به امروز پر از حادثه و دگرگونی‌های پرشتاب افتاده و پیش از هر چیزی گیج است. دوام آوردن، ادامه دادن و سعی در برقراری رابطه با چنین مخاطبانی سخت است. هزاربار این کار سخت را ادامه دادن، شهامت بسیار می‌خواهد. تجربه‌ی این دوسال به من آموخته است که روزنامه‌نگاری کار آسانی نیست، و برای کسی که روزنامه‌ای را می‌گرداند نمی‌توان روز خوشی آرزو کرد. در پایان یک عالم تلاش و جدل و کوشش و شور و شوق، آن‌چه بر جای می‌ماند یک مشت خستگی است. از این رو ما احتمالاً ناگزیریم به همان خستگی اکتفا کنیم تا کسی نپندارد جامعه بی‌زبان شده است. هزارمین شماره، فرصت خوبی است تا به مسئولان خسته نباشید بگویم. چون می‌دانم اطلاعات روز به راهش ادامه خواهد داد حتا زمانی که دیگر نیستیم؛ زیرا روزنامه‌های خوب می‌مانند.



حشمت  
رادفر روزنامه‌نگار

# اطلاعات روز؛ اطلاع‌رسانی ارزش‌مدار

پرمخاطب افغانستان است. در بازتاب رویدادها و تحلیل وقایع، دست بالا و نگاه منحصر به فردی دارد. ویژه‌نامه‌هایی که هرچندگاه یک‌بار در موارد مختلف منتشر می‌کند، ابتکار جالبی است که زمینه‌ی بازتاب دیدگاه‌های متفاوتی در باره‌ی یک شخص یا یک موضوع مشخص را فراهم می‌سازد.

چاپ ۱۰۰۰ شماره از این روزنامه‌ی وزین و پرمخاطب را، برای دست‌اندرکاران و گردانندگان جوان، معتمد و پرتلاش اطلاعات روز، که دشواری‌ها و تنگناهای فراوانی را در راستای اطلاع‌رسانی ارزش‌مدار و به دور از علایق و سلیقه‌ی سیاسی، تباری، قومی و مذهبی متحمل شده‌اند، تبریک می‌گویم. استوار و کامگار بمانید.

رویکرد بازرگانی محض به نظر می‌رسید، و تا انتخابات ۹۳ که مسئولیت نظارت از محتوای نشرات رسانه‌ها را به‌عهده داشتیم، اطلاعات روز زیاد توجهم را جلب نکرده بود. اما رویکرد بی‌طرفانه و نگاه انتقادی آن در جریان انتخابات، اطلاعات روز را در سطح سه چهارم نشریه‌ی چاپی غیرجناحی افغانستان، برای تیم نظارتی ما مطرح کرد و من تحلیل‌ها و ترجمه‌های انتخاباتی این روزنامه را همواره می‌خواندم. تا اکنون نیز هرگاه این نشریه به دستم برسد، دست‌کم یک تحلیل از آن می‌خوانم. در کنار محتوا، شیوه‌ی نگارش و ویرایش مطالب، و قطع و صحافت اطلاعات روز همیشه برایم جالب بوده است.

اکنون اطلاعات روز از روزنامه‌های مطرح و

نخستین باری که روزنامه‌ی اطلاعات روز را در میان رسانه‌های چاپی کشور دیدم، زمستان سال ۱۳۹۰ بود. من مطابق عادت، وقتی نشریه‌ای را برای نخستین بار ببینم با نگاه به عناوین درشت و هیئت تحریریه‌ی آن کوشش می‌کنم خطمشی و پالیسی نشراتی آن را بفهمم؛ اگر در نگاه اول به این نتیجه برسم که نشریه آزاد است، با دقت بیشتری یکی دو تحلیل یا گزارش آن را به صورت گزینشی می‌خوانم و اگر فکر کنم که جناحی، قومی، مذهبی یا حزبی است، به خوانش عمودی عناوین و تیم نشراتی آن بسنده می‌کنم.

اطلاعات روز، در نخست با طراحی و دیزاین ظریف و قطع کوچک آن، یک رسانه‌ی آزاد با

## اطلاعات روز، «هزاره دوم» و فصل دشوار اطلاع‌رسانی



آصف آشنا  
فعال سیاسی

هدف تعمیم و نهادینه سازی دموکراسی با شعار «پدید آوردن مردم سالاری» در افغانستان به اجرا گذاشته است.

دو: اطلاعات روز با کاری که ارائه می‌کند، برای مخاطبان‌اش ثابت کرده است که در شرایط دشوار سیاسی کنونی که افغانستان از بسیاری جهات بافت مزایکی دارد، از کش و قوس‌های ناسالم که زیست جمعی مسالمت‌آمیز در کشور را همواره آسیب پذیر کرده است/می‌کند، نه تنها بدور مانده است که همواره برای عبور از این کش و قوس‌های ناسالم سیاسی، تلاش کرده است و در راستای تقویت روحیه وحدت ملی و روحیه پاسداری از منافع و ارزش‌های ملی نیز دیدگاه اصلاحی و انتقادی‌اش را با مسئولان و مجریان امور و هم‌چنان با مخاطبان‌اش در میان گذاشته است.

سه: در کنار اطلاع رسانی حرفه‌ای رو به رشد، آن‌چه اطلاعات روز را برای مخاطبان‌اش متفاوت و پر طرفدار کرده است، نگاه منتقدانه‌اش به وضعیت کنونی است. نگاه منتقدانه جدی و صریحی که در سرمقاله‌های اطلاعات روز چاپ می‌شود، متمرکز بر حساس‌ترین و ضروری‌ترین مسایل و موضوعات است.

چهار: هوشمندی نگاه پرسش‌گر، معترض، مطالبه‌گر و حساب‌گر که در پشت صفحه‌های طنز اطلاعات روز قرار دارد، هر روز یک حرف تازه و یک مسئله تازه را در هاون طنز می‌گوید و سیر تا پیازش را گاه آفتابی می‌کند و زمانی پنبه می‌کند و به‌دست باد می‌سپارد.

پنج: ترجمه بروز و حرفه‌ای اطلاعات روز از رسانه‌های برتر غربی، یکی از کارهای ارزشمند و مفید این روزنامه برای مخاطبان است. به ویژه برای مخاطبانی که به زبان اول دست‌رسی ندارند و در عدم ترجمه‌ی بروز و به موقع، پهلوه‌ها و زوایای بسیار جدی و مهم مسایل افغانستان را از دست می‌دهند. نگاه، پرداخت و روایتی که نداشتن و نداشتن‌اش می‌تواند در بسیاری موارد روی وضعیت کلی سیاست و سرنوشت در افغانستان تاثیر بگذارد.

در پایان، چاپ هزار و یکمین شماره اطلاعات روز را به عنوان یک رویداد نیک یکبار دیگر به دست‌اندرکاران این رسانه، به مخاطبان و به خانواده رسانه‌های کشور تبریک می‌گویم.

«اطلاعات» و «آگاهی» به مردم و شهروندان دارد. رسالتی که مسئولیت و مأموریت‌اش زنده نگهداشتن و به گردش در آوردن «اطلاعات» و «آگاهی» در افکار عمومی است. رسالتی که در راستای پدید آوردن مردم سالاری و نظام‌های دموکراتیک و قانون‌مدار، نقش و جایگاه رکن چهارمی را دارد.

رساله‌ی روزنامه‌نگاری زمانی جدی‌تر، حساس‌تر و پر مخاطره‌تر می‌شود که در شرایط و وضعیتی به اجرا گذاشته شود که کلیت نظام در یک سرزمین دچار بحران مشروعیت قانونی باشد و فضای سیاسی حاکم بر وضعیت در پایین‌ترین سطح اعتماد سیاسی میان طرف‌ها و جریان‌های سیاسی قرار داشته باشد. رابطه دولت و ملت، رابطه‌ی نفرت و انزجار به پاس قانون‌شکنی و هرج و مرج مافیایی قدرت و ثروت باشد و هیچ چیز سر جای خودش نباشد. نه قانون، قانونیت‌اش مسئله باشد و نه مشروعیت نظام.

آن‌چه از واقعیت امر بر می‌آید این است که در وضعیت و شرایط بحرانی و طاقت فرسای که ما امروزها آن را تحمل می‌کنیم، پرداختن به رسالت اطلاع رسانی، امری ارزشمند و پرمخاطره است. چون، کاری را که امروزها رسانه‌های آزاد و مستقل کشور با اطلاع رسانی مسئولانه و حرفه انجام می‌دهند، چیزی نیست که مجریان وضعیت کنونی آن را برتوانند.

حالا، از این منظر است که از چاپ برآمدن هزارمین شماره «روزنامه‌ی اطلاعات روز» خبر ارزشمند و رویداد نیک برای خانواده رسانه‌ها و مخاطبان‌اش می‌باشد.

برای من گذشته از شناخت و روابط شخصی که با دست‌اندرکاران روزنامه‌ی اطلاعات روز دارم، به عنوان یک مخاطب و خواننده روزنامه، این رویداد نیک به چند دلیل جدی، ارزشمند و قابل درنگ است.

یک: اطلاعات روز در کنار سایر روزنامه‌ها و رسانه‌های آزاد و مستقل کشور، یکی از استثنائاتی‌ترین رسانه‌های معتمد به ارزش‌های دموکراتیک، اصول و موازین حقوق بشری است که در دشوارترین شرایط کاری در کنار اطلاع‌رسانی حرفه‌ای، متوازن و بی‌طرفانه، تلاش پیگیر و خستگی‌ناپذیر را در راستای حمایت و پروراندن ارزش‌های پیش گفته به

در شرایط آشفته و بحرانی که ما در آن به سر می‌بریم، از چاپ برآمدن هزارمین شماره یک روزنامه‌ی آزاد و مستقل خبر خوش است که در کنار دست‌اندرکاران و مخاطبان‌اش باید این رویداد نیک را به خانواده رسانه‌های کشور نیز تبریک گفت.

شاید برای اکثریت مخاطبان که تجربه کار رسانه‌ای را ندارند، از چاپ برآمدن هزارمین شماره یک روزنامه، اساساً خبری تأمل برانگیز نباشد. چون مخاطب منتظر شماره‌ی روز است و دنبال محتوا و اطلاعات روز. اما، برای رسانه‌گران و به‌ویژه برای دست‌اندرکاران یک روزنامه، هزار شماره بیرون دادن، «هزار و یک شب» از زندگی را تا دیر وقت به دفتر و تحریریه ماندن است و هزار روز از زندگی را درگیر بودن با رویدادها و تحولات خبرساز مواجه بودن. با رویدادها و تحولاتی که به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر زندگی فردی و جمعی شهروندان یک سرزمین تاثیر مثبت و منفی از خود به‌جا می‌گذارد.

برای اداره و دست‌اندرکاران یک روزنامه، هزار شماره بیرون دادن، یعنی هزار روز از زندگی را درگیر بودن با خبر و تحولات اجتماعی-سیاسی؛ امری که پیش از هر چیز دیگر نیازمند تعهد، مسئولیت‌پذیری و پشت کار جدی است. تعهد برای پرداختن به مسایل بزرگ و بفرنج که بر حیات و سرنوشت جمعی شهروندان یک سرزمین تاثیر می‌گذارد و مسیر یک جامعه را در رفتن به سوی مدنیت، توسعه، دموکراسی و یا هم مسیر حرکت یک کشور و سرزمین را به سوی قانون‌شکنی، هرج و مرج، استبداد و صدرنشین شدن در میان کشورهای جهان، مشخص می‌کند.

اساساً روزنامه‌نگاری، پیش از آن‌که به عنوان یک کار و پیشه مطرح باشد، امری است که به تعهد، دغدغه و مسئولیت‌پذیری روزنامه‌نگاران و رسانه‌گران در قبال سرنوشت جمعی و رویدادهای تاثیرگذار بر وضعیت جمعی برمی‌گردد. رسانه‌گری امری است که پیش از هر چیز دیگر به کنش و منش ذهن و باور فرد روزنامه‌نگار و رسانه‌گر، در قبال آن‌چه در پیرامون‌اش اتفاق می‌افتد، بستگی دارد.

روزنامه‌نگاری از نگاه ارزشی، رسالت اخلاقی است که روزنامه‌نگار در قبال رساندن



از قانون چماق و دندان سخن به میان آمد. در لایه‌های زیرین اجتماع این قانون به شدت اجرا می‌شود و روزنامه‌نگار نیز بخشی از جامعه است. از این رو روزنامه‌نگار به خوبی این منطق را می‌فهمد. در دولت‌های استبدادی ستم مخفی و گاهی آشکار همیشه وجود دارد. چماق و دندان وسیله‌هایی هستند که در جهت پذیرفتن و ترمز ستم به کار می‌روند. دولت با چماق می‌خواهد ستم را بر مردم تحمیل کند و روزنامه‌نگار برای ترمز باید دندان بگیرد. راستش در مواردی که می‌خواهند تو را با چماق خاموش کنند، آخرین وسیله‌ی دفاع نیش زدن است. این برداشت از کار روزنامه‌نگاری مبتنی بر واقعیت‌هایی است که در جریان کار تجربه شدنی است. آن واقعیت زندگی سگی روزنامه‌نگار در این کشور است. هر چند که همه روزگار در این کشور است. هر چند که همه روزگار خوبی ندارد: **سگ، روزنامه‌نگار و پولیس:**

روزنامه‌نگار در این کشور است. هر چند که همه روزگار خوبی ندارند. کافی است بدانیم جهان سه قهرمان شبگرد دارد: سگ، روزنامه‌نگار و پولیس:

**اول** همیشه سطحی از ترجیح‌ها در توزیع وسیله‌های سرمایه وجود دارد. تبلیغات یکی از این وسیله‌ها است. گفته می‌شود که جذب تبلیغات به میزان بی‌طرفی روزنامه و تلاش مدیران روزنامه وابسته است. این سخن در تبلیغات کوچک درست می‌نماید اما در جذب تبلیغات شرکت‌های نسبتاً بزرگ‌تر سخنی کاملاً دروغ است. تبلیغات شرکت‌های بزرگ را ترجیح دادن‌ها و خوش‌آمدها و بدآمدها تعیین می‌کند و این دقیقاً جایی است که زندگی سگی روزنامه‌نگار را تعیین می‌کند. این مسئله ممکن است معنای دیگری هم داشته باشد، اما معنای پر قدرت آن توزیع ستم است. روزنامه‌نگار این ستم را می‌شناسد، با آن زندگی می‌کند و تمام تلاشش رفع آن است.

**دوم** چنین الگویی از توزیع ستم در بخش وسیعی از امکانات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیز وجود دارد. روزنامه‌نگاران توجهی خاصی به این سطح کلان نیز دارند. تحلیل‌ها، گزارش‌ها و گزینش‌های خبری موید روشنی از این توجه است. با این حال روزنامه‌نگاران همیشه مورد سوء ظن قرار می‌گیرند. به نظرم گوشه‌هایی از زندگی عجیب و غریب روزنامه‌نگار آشکار شده باشد. آدمی که نمی‌تواند به او اعتماد کرد و ستم‌های سازمان یافته نیز توان و توش اقتصادی‌اش را می‌فشارد و او با همه‌ی این مسایل در تلاش آشکار کردن راز قانون چماق و دندان است.

**سوم** روزنامه‌ی اطلاعات روز با مشکل اقتصادی بسیار جدی ادامه یافت تا برسد به جایی که ناگزیر باید تعطیل شود. تعطیل شد تا بتواند تجدید سازمان کند. حال که به شماره‌ی ۱۰۰۰ رسیده است، تجربه‌ی ارزشمندی را پشت سر گذاشته است. این تجربه همان ارزش معنوی و نیرویی است که فردای روزنامه را می‌سازد. رضایتی در درون موج می‌زند که ناشی از این تجربه است. من در بخشی از این تجربه شامل بودم و خوشحالم که جزئی از بچه‌های اطلاعات روز بودم. این رضایت و خوشحالی بیشتر به این دلیل است که بچه‌های اطلاعات روز تصمیم گرفتند که هرگز زمین نخورند.

**چهارم** یاد می‌آید بار دوم که روزنامه را شروع کردیم خزان بود. دفتر مان در تایمینی (لب جر) بود. اکثر شب‌ها ساعت یک بجه شب فارغ می‌شدیم و می‌آمدیم طرف خانه. در آن ساعات شب فقط ما سه کس (سگ، روزنامه‌نگار و پولیس) بیدار بودیم و در خیابان‌های سرد کابل پرسه می‌زدیم. گاهی دوستان مان را نیز آزار می‌دادیم: مثلاً من ساعت ۱ شب در بامیان به ضیا روشنگر زنگ می‌زدم، از خواب بیدارش می‌کردم و می‌گفتم می‌دانی کی شب‌ها در خیابان است؟ می‌گفت نه. می‌گفتم: سگ. و این‌گونه اشاره به زمینه‌ی می‌کردم که میان من و روشنگر بود. یا هادی دریابی به دوستان‌اش زنگ می‌زد و می‌گفت به پهلوی دیگری بخواب. یا به کسی زنگ می‌زدیم و می‌گفتم دستشویی برو. این مسایل علی‌رغم این که آشکار کننده زندگی سگی ما بود، همراه با زیبایی‌های بود که کم‌تر کسی آن را تجربه کرده است. **پنجم** از همه‌ی این مسایل که بگذریم، توماس ادیسون در جایی گفته است: «تنها یک درصد نبوغ به انسان‌ها الهام می‌شود، و نود و نه درصد با عرق ریختن و کار به‌دست می‌آید.» ممکن است این سخن از منظرهای دیگر درست نباشد، اما ما به راستی کار می‌کردیم، آبرومندان. تردید ندارم که اطلاعات روز تاهنوز کار آبرومندانه کرده است و هم‌چنان یقین دارم که دیگر متوقف نمی‌شود، رؤیا و آرزویم این است که بچه‌های این روزنامه توانایی پایان ناپذیر برای تحمل مرارت‌ها و دردها داشته باشند و کار آبرومندانه کنند. دومین زنگ ذکی دریابی همین بود. گفت در شماره ۱۰۰۰ رسیده‌ایم، بنویس.



حمید فیدل  
روزنامه‌نگار

# سه شبگرد (سگ، روزنامه‌نگار و پولیس)

۲  
سیاست به هر میزانی که پنهان کاری کند، بازهم در همین سطح زندگی روزمره عمل می‌کند. روزنامه‌نگار در ناگزیری تحلیل سیاست که یکی از بخش‌های زندگی روزمره است، در تلاش کشف منطق چیش اجزای یک رویداد است به هدف رسیدن و نزدیک شدن به اهدافی که سیاست‌ها دنبال می‌کنند. معمولاً اگر کسی بخواهد مفهوم یک عمل سیاسی را درک کند، بهترین ابزار برای این کار بازدید از تیرهای روزنامه‌ها است. روزنامه‌ها تقریباً به هر چیزی ناخنک می‌زنند و از طریق تیرتری آن را به نمایش می‌گذارند. نحوه‌ی نمایش تعیین کننده جایگاه و موضع روزنامه است و تقریباً می‌شود گفت روزنامه‌ها حتا در صورت طرفداری شدید از یک گروه سیاسی خاص مقداری از دروغ را همراه با نمایش واقعیت آشکار می‌کنند. هرچند که ممکن است تیرت بسیار جانبدارانه باشد، اما این تیرت جانبدارانه میزان بیشتری از دروغ آن گروه سیاسی را نیز به ویتیرت‌ها می‌فرستد. سیاستمداران تلاش می‌کنند ارقام تیرت‌های روزنامه‌ها به نفع شان عمل کنند، اما روزنامه‌نگار کلکی نیز در متن خود پنهان می‌کند که آشکار کننده‌ی دروغ آن رقم است.

چالش‌ها، تناقض‌ها، ناسازها و مسایل زجرآور و متنوعی بسیاری پیش روی روزنامه‌نگار قرار دارد که بخش اعظم آن پنهانی است. یکی از این نزاع‌های پنهانی سخن مسلط است. تلاش برای تولید سخن مسلط نه تنها میان روزنامه‌ها که میان سیاستمدار و روزنامه‌نگار به شدت جریان دارد. از این منظر روزنامه‌نگار رکنی از دولت است که نمی‌خواهد دولت هرچیزی را برای توجیه اعمال خود به خورد مردم بدهد. اندکی از مسایل که روزنامه‌ها به آن مبتلا است را آوردم که بگویم: ما در روزنامه اطلاعات روز با این مسایل درگیر بودیم. با «قانون چماق و دندان» قانونی که به گفته‌ی جک لندن منطق پایه در سرزمین وحش و جنگل است.

۳  
از قانون چماق و دندان سخن به میان آمد. در لایه‌های زیرین اجتماع این قانون به شدت اجرا می‌شود و روزنامه‌نگار نیز بخشی از جامعه است. از این رو روزنامه‌نگار به خوبی این منطق را می‌فهمد. در دولت‌های استبدادی ستم مخفی و گاهی آشکار همیشه وجود دارد. چماق و دندان وسیله‌هایی هستند که در جهت پذیرفتن و ترمز ستم به کار می‌روند. دولت با چماق می‌خواهد ستم را بر مردم تحمیل کند و روزنامه‌نگار برای ترمز باید دندان بگیرد. راستش در مواردی که می‌خواهند تو را با چماق خاموش کنند، آخرین وسیله‌ی دفاع نیش زدن است. این برداشت از کار روزنامه‌نگاری مبتنی بر واقعیت‌هایی است که در جریان کار تجربه شدنی است. آن واقعیت زندگی سگی

۱  
اولین باری که «بانو با سگ ملوس» را دیدم مجذوب رمان و داستان شدم. اندک اندک نام‌ها و آدم‌ها را در دنیای ادبیات یافتم. یکی از آن کلاسیک‌های معروف دنیای ادبیات که خواندن آثارش رؤیا بود و تا امروز به تأخیر افتاده بود جک لندن بود. دو رمان «آوای وحش» و «سپید دندان» از مدت‌ها قبل در ژرفای ذهنم بود. آن روز در یک بعد از ظهر فارغ شده از اداره، بدون هدف قدم می‌زدم. به جای رسیدن به دفتر روزنامه‌ی «جامعه‌ باز» به مارکیت ملی در گولایی پل سرخ رسیدم. معمولاً کتاب فروشی‌ها مکان‌های رؤیایی چشم چرانی من هستند. رنگ‌های متنوع، طرح‌های زیبا، فونت‌های بی‌نظیر و انبوهی از عنوان‌های دل‌فریب و کشنده، تقریباً بی‌حاصله‌ام می‌کند و آخر گویی یکی از آن کتاب‌ها به سوی من دست دراز می‌کند تا دستش را بفشارم. این چنین است که از قفسه بیرون می‌آورم، قیمت‌اش را حساب می‌کنم و با دل پر راهی مقصد می‌شوم. آن بعد از ظهر نیز دوتا کتاب جک لندن را این چنین به خانه آوردم. دیروز در حال خواندن آوای وحش بودم که ذکی دریابی زنگ زد.

بگذارید از اولین زنگ شروع کنم. به نظرم ساعت یازده روز بود که شماره ناشناخته‌ای زنگ زد، برداشتم، گفت ذکی دریابی هستم و پس از لحظه‌ی گفت‌وگو قرار ملاقات گذاشتیم. مکانش کتاب‌فروشی عرفان بود. یادم هست که در کتاب‌فروشی عرفان میان کتاب‌های دسته‌ی رمان نشستیم و باهم توافق کردیم. فرانسس بیکن گفته است: «همان‌طور که لذت والدین مخفیانه است، غم‌ها و اشک‌های شان هم در خفا است.» لذت‌ها و اشک‌های ما نیز این‌گونه آغاز شد. خانواده‌ی کوچکی که شعور، شادی و کار را روی یک سفره می‌خوردند. سفره‌ی که روی آن علاوه بر نان، قلم، میز، کاغذ، کامپیوتر، متن، انترنت، چای، سیگار، خط، طرح، لوگو، رنگ، زیبایی و به اندازه کافی خنده و علاقه به کار، فراوان یافت می‌شد. اسم این سفره را گذاشته بودیم «روزنامه‌ی اطلاعات روز». این چنین بود که اطلاعات روز نمی‌توانست شروع نشود، چون ما تعهد کرده بودیم.

در جامعه‌ی که نفرت و بی‌اعتمادی عمومی بیشترین مصرف را دارد، کار کردن در روزنامه با شک و تردیدها، بی‌اعتمادی‌ها و مشکلات خاص خود همراه است. اضافه بر این روزنامه‌ها با واقعیت‌هایی که ممتاز و اعلائی سروکار دارند که همان «زندگی روزمره» است. روزنامه‌نگار در مواجه با زندگی روزمره با دو سطح تنش آگاهی همراه است. از یک طرف تنش نفس زندگی روزمره است که خود را با بیشترین فشار بر آگاهی تحمیل می‌کند و دیگری تنش خود روزنامه‌نگار است که در حال تحلیل میزان تنش زندگی روزمره است. تمام مسایل مربوط به زندگی جمعی و فردی در همین منگنه اتفاق می‌افتند اما با نظمی که کشف منطق آن به سادگی ممکن نیست.

**چهارم) یاد می‌آید بار دوم که روزنامه را شروع کردیم خزان بود. دفتر مان در تایمینی (لب جر) بود. اکثر شب‌ها ساعت یک بجه شب فارغ می‌شدیم و می‌آمدیم طرف خانه. در آن ساعات شب فقط ما سه کس (سگ، روزنامه‌نگار و پولیس) بیدار بودیم و در خیابان‌های سرد کابل پرسه می‌زدیم. گاهی دوستان مان را نیز آزار می‌دادیم: مثلاً من ساعت ۱ شب در بامیان به ضیا روشنگر زنگ می‌زدم، از خواب بیدارش می‌کردم و می‌گفتم می‌دانی کی شب‌ها در خیابان است؟ می‌گفتم: سگ. و این‌گونه اشاره به زمینه‌ی می‌کردم که میان من و روشنگر بود. یا هادی دریابی به دوستان‌اش زنگ می‌زد و می‌گفت به پهلوی دیگری بخواب. یا به کسی زنگ می‌زدیم و می‌گفتم دستشویی برو. این مسایل علی‌رغم این که آشکار کننده زندگی سگی ما بود، همراه با زیبایی‌های بود که کم‌تر کسی آن را تجربه کرده است.**



خادیم حسین کریمی

# در فرخندگی هزارمین نفس سکوی دادخواهی و مردم سالاری

## پیش شرح

برای من، نشر هزارمین شماره‌ی اطلاعات روز، یک جشن شیرین و بی‌پیرایه است. این که چرا رسیدن یکی از رسانه‌های چاپی پایتخت به هزارمین شماره‌اش می‌تواند برای من که دانشجوی روزنامه نگاری هستم و به طبع، سور و بساط و کم و کیف‌های کاری رسانه‌ها را تا حدی می‌توانم به سنجش و داوری بگیرم، می‌تواند یک جشن شیرین باشد را در ادامه‌ی این لفاظی ملال‌آور شرح می‌دهم. جشن فرخنده‌ی نشر هزارمین شماره‌ی اطلاعات روز بر منادیان دادخواهی و مردم سالاری مبارک باد!

بهار سال ۹۱ بود. آن روزها، من تازه وارد دانشگاه شده بودم. آوازه‌ی به بازار آمدن یک روزنامه‌ی جدید میان بچه‌ها زبان به زبان می‌چرخید. از آن جا که من دانشجوی تازه وارد ژورنالیزم بودم، سخن گفتن در حوالی رسانه و روزنامه و کار روزنامه نگاری برایم جذاب بود. بچه‌ها از تنوع مطالب این روزنامه‌ی تازه وارد و صفحه‌آرایی جذاب و تنوع محتوای آن حرف می‌زدند. من کمابیش اطلاعاتی از دست اندرکاران این روزنامه و بچه‌هایی که آن جا کار می‌کردند، داشتم. ذکی دریایی را از دوردست‌های کودکی می‌شناختم. از وقتی که او صنف ده مکتب بود و برای ما که دانش آموز صنف چهار بودیم، ریاضی درس می‌داد. اما در ایامی که اطلاعات روز ایجاد شد و آغاز به کار کرد، ارتباط نزدیکی با ذکی دریایی و دگر بچه‌های اطلاعات روز نداشتم. اکثر روزها، اطلاعات روز را از مرد معلولی که متصدی فروش روزنامه‌های کابل در ورودی شمالی دانشگاه کابل است، می‌خریدم و با اشتیاق می‌خواندم. فروش اطلاعات روز حداقل در دانشگاه کابل بسیار خوب بود. یکی از روزها که کمی دیر به دانشگاه رسیده بودم، گرفتن شماره‌ی آن روز روزنامه را به دلیل این که ساعت اول را دیرتر نرسیم، به بعد از ختم درس دانشکده موکول کردم. ساعت دوازده و نیم که از دانشکده فارغ شدیم، آمدم که اطلاعات روز را بگیرم. دیدم شماره‌ی آن روز تمام شده است. دیگر روزنامه‌ها به میزان قابل توجهی مانده بودند. اطلاعات روز که به بازار آمد، با فروش خوبی کارش را آغاز کرد. از سوی دیگر، حس می‌کردم اولین روزنامه‌ای است که عطش تنوع خواهی مرا فرو می‌نشاند. اطلاعات علمی، صحتی، ورزشی و روایت از عجایب غریب تاریخ و جهان امروز را در خود داشت. اطلاعات روز آن روزها، ویژه‌ی نوجوانان و جوانان کم سن و سال بود. جذاب، متنوع، علمی و قابل استفاده و یادگیری. جای چنان روزنامه‌ای میان نسلی که فقط ده سال از کشتارهای دسته جمعی و خون و اختناق و سنگسار و جنگ و منازعه‌های بزرگ مسلحانه فاصله داشتند و از متن خاکستر جنگ و نابودی کامل نهادهای آموزشی و علمی برخاسته بودند، خالی بود که اطلاعات روز سر رسید. مدتی گذشت. اطلاعات روز تازه داشت میان جوانان و نوجوانان و مردمی که سواد تخصصی داشتند جا باز می‌کرد که اطلاعات روز تعطیل شد. چند ماه به دلیل نبود بودجه و مشکلات مالی، آن روزنامه‌ی جذاب و خواندنی از نفس کشیدن ایستاد. شش ماه گذشت و اطلاعات روز پس از یک تعطیلی مؤقت، دوباره آغاز به کار کرد. این بار، اطلاعات روز با چهره‌ی جدید آمد. رویکرد سیاسی روزنامه بر رویکرد اطلاعاتی و آموزشی آن چیره شده بود. اندک اندک، اطلاعات روز به‌عنوان یک روزنامه‌ی

مستقل، منتقد و سیاسی-اجتماعی خودش را در بازار شلوغ رسانه‌های کشور و به‌خصوص رسانه‌های چاپی کابل، به مخاطبان رسانه تحمیل کرد. اوایل این تحول، مطالب محکم و نقادانه‌ای در حوزه‌ی اجتماع و سیاست از نویسندگانی عمدتاً جوان و پرکار کشور در اطلاعات روز منتشر می‌شد. با گذشت هر روز، رویکرد سیاسی و نقادانه‌ی اطلاعات روز، پا می‌گرفت و برجسته می‌شد. از برجسته‌ترین ویژگی‌های اطلاعات روز که میزان محبوبیت و مقبولیت آن را میان نسل جوان افزایش می‌داد، این بود که نویسندگان جوان و پرشور و منتقد، به راحتی می‌توانستند بدون خودسانسوری‌های مرسوم در رسانه‌های این مملکت، حرف‌های دل‌شان را از کاستی‌ها و نارسایی‌های اوضاع سیاسی و اجتماعی در اطلاعات روز بریزند. اطلاعات روز، از همان روزهای نخست که پس از یک ایست مؤقت با رویکرد سیاسی-اجتماعی و استراتژی نقادانه و اصلاح‌گرایانه دوباره به میدان آمد، تا این روزها که دیگر به یک وزنه‌ی غیرقابل انکار و خوش نام رسانه‌ای کشور به اثبات رسیده است، میدان فراخ و قابل جولانی برای نویسندگان منتقد و جوان بوده است. در سوی دیگر عمر کوتاه چهارساله اما پربار اطلاعات روز، می‌توان به یک برجستگی دیگری هم التفات کرد. اطلاعات روز در طول چهار سال کارش، مدام به‌عنوان سکوی پرشی برای جوانانی بوده است که سودای کار رسانه‌ای و روزنامه‌نگاری داشته‌اند. جوانان تازه کار و مایل به کار رسانه‌ای بسیاری از اطلاعات روز به‌عنوان اولین منزل کار و کسب تجربه و مهارت سود جستند و از این منظر، به جسارت می‌توان گفت که اطلاعات روز نه تنها یک پایگاه اطلاعاتی-رسانه‌ای خوش‌نام و وزین که در ضمیمه‌ی آن یکی از نهادهای کابل تأثیرگذار در پرورش چهره‌های جوان رسانه‌ای کابل بوده است. در مورد این ویژگی اطلاعات روز که شاید از آن به‌عنوان یک مزیت کاری صاحب امتیاز و مدیرمسئول پرانرژی و خوش‌نام‌اش تعبیر شود، تعبیر من این است که این رویکرد، اگر نه اکثراً که معمولاً یکی از نقطه‌های ضعف اطلاعات روز بوده است. اطلاعات روز اگر با یک مجموعه‌ی به نسبت ثابت و چیره دست از آغاز تا به این جا به پیش می‌رفت، بسیار بیشتر از اکنون، به عمق لایه‌های مختلف مخاطبان رسانه‌ای کشور ریشه می‌دواند و وسعت می‌گرفت اما گمان می‌کنم فرصت و فضای به‌نام اطلاعات روز ترجیح می‌داده است که به جای رویکرد شخصی صرف، مقداری از هزینه‌ها و امکانات‌اش را برای نهادینه‌سازی فرهنگ رسانه‌ای و پرورش چهره‌های جوان در میان اصحاب رسانه‌ی کشور اختصاص بدهد و این از منظر، برای من یک اشتباه بزرگ محسوب می‌شود.

صحبت اگر از بررسی جایگاه و منزلت امروز اطلاعات روز در جامعه‌ی ملتهب رسانه‌ای کشور باشد، به ناچار من مجبورم به توصیف و مدح روی آورم زیرا اطلاعات روز برای من که یک مخاطب تقریباً جدی‌اش هستم و از سوئی، دانشجوی روزنامه‌نگاری، یک لذت شیرین است. از آن جا که مُد غالب سخن در فضای امروز، به‌خصوص برای جوانان نقاد و متمایل به اندیشه‌های چپ و سرشار از انرژی‌های دگرگون‌سازی بنیادی، رویکرد نقادانه و «نق زنی» است، این کار برایم به شوکرانی می‌ماند که مجبور به سر کشیدن آنم. اطلاعات

روز، با هزینه‌ی کوچک و حقیر اشتراک و فروش شماره‌های هرروزش و اعلان‌های اندک و کوچکی که به قطع، کفاف هزینه‌های بزرگ معاش کارمند و پول چاپ و نشر و دیگر مصارف خرد و ریزه‌کاری را به دشواری می‌کند، هم‌چنان به‌عنوان یک روزنامه‌ی مستقل، منتقد، مردم سالار و متعهد به آرمان‌های مردمی و انسانی، به کارش ادامه داده است. به دلیل همین استقلال و تعهدهای محکم و جدی، در مقاطع دشوار بسیاری که اطلاعات روز به لحاظ مشکلات مالی زیر فشار بوده است، مجموعه‌ی کاری و اداری این روزنامه و بچه‌هایی که هرچند مسئولیت‌های رسمی کاری در این رسانه را ندارند، با از خودگذری و ایثار و همکاری‌های بی‌شائبه، زیر پر و بال فقیر اطلاعات روز را گرفته‌اند تا هم‌چنان پر بزند و به رخ تجمل و منابع گنده‌ی مالی و پولی‌ای که به استثمار و سانسور و جهت‌دهی بسیاری از رسانه‌ها دست یازیده‌اند، نیشخند بزند. اطلاعات روز، به‌طور مداوم در سرزمین مصیبت و بلا و فاجعه، از دادخواهی‌های مردمی و انسانی بر علیه تروریسم و فساد و سیاست‌های حذفی و انحصار امکانات قدرت سیاسی و اقتصادی و حامیان پیدا و پنهان‌اش به‌صورت همه جانبه حمایت کرده است و در مواردی از ستون‌های اصلی شکل‌گیری جریان‌های دادخواهی بوده است. به‌عنوان برجسته‌ترین نمونه‌ها، حضور برجسته‌ی اطلاعات روز در حمایت چشم‌گیر و پوشش خبری وسیع از دادخواهی‌های مردمی و مدنی برای قربانیان خشونت و تروریسم نظیر شهادت و دادخواهی برای شهید فرخنده، قربانیان سقوط قندوز، قربانیان بی‌گناه جنایت وحشتناک زابل و در پی‌آمد آن حماسه‌ی بی‌نظیر و تاریخی بیستم عقرب، فاجعه‌ی خونین جلریز، رخداد وحشتناک رانش زمین در بدخشان و دیگر مصیبت‌ها و فجایع بزرگ این جغرافیای نحس، این رسانه را به‌عنوان یک رسانه‌ی متعهد و مردم سالار برجسته می‌کند. هرچند در معارفه‌ی اطلاعات روز، رویکرد دادخواهانه‌ی این رسانه به‌صورت مشخص ذکر نشده است اما من به‌عنوان یک مخاطب این رسانه که دانشجوی روزنامه نگاری هستم و بنا بر دغدغه‌های شخصی‌ام در دادخواهی‌های مردمی برای قربانیان فاجعه‌های دردناک کشور حضور داشته‌ام، فکر می‌کنم حداقل در یک سال اخیر که حکومت وحدت ملی به کار آغاز کرده است، اولویت اصلی کار رسانه‌ی اطلاعات روز را حضور فعال و برجسته در دادخواهی‌های مردمی تشکیل می‌دهد و از این منظر که میزان قابل توجهی از گروه‌های اجتماعی با عبور از بسیاری از تعهدات مردمی و کشوری در تلاش بودند و هستند تا سهمی در خوان مجلل قدرت داشته باشند، متعهد ماندن اطلاعات روز در کنار چند رسانه‌ی اندک اما محکم کشور به تعهدات اخلاقی و رسالت‌های انسانی، شایسته‌ی ارج گذاری است. اطلاعات روز بابت ماندن کنار دسترخوان تهی از تجلج مردم و تعهد محکم به مردم سالاری و امتناع از خم شدن در برابر درشتی و قلدری تیکه‌داران قدرت سیاسی، هزینه‌های هنگفتی پرداخته است و می‌پردازد. اعتراض مداوم به شیوه‌ی کار روزنامه و جلب رسمی چندباره‌ی مدیر مسئول و متصدی ستون‌های نقد و طنز این روزنامه از سوی وزارت فرهنگ و کمیسیون ذریبط مجلس نمایندگان نشان‌گر این است که اطلاعات روز حالا در کنار این که یک وزنه‌ی غیرقابل انکار و ریشه‌دار در جامعه‌ی

زیرا در روزگاری که درآمدزایی و اتکا به میزان درخشندگی قدرت اقتصادی، بزرگ‌ترین محور کار تمامی شبکه‌ها و حلقه‌ها را تشکیل می‌دهد، شاید نتوان با همدلی‌های معنوی و حساب باز کردن بر تعاون‌های مالی و معنوی افراد و نهادهای هم‌فکر و هم‌رأی-که به گمان من یک توهم و خوش‌بینی غیرمحتمل است- تا دوردست‌های وسیع بازدهی و نتیجه بخشی ادامه داد. اطلاعات روز، کار دور و درازی در پیش دارد و هرچند که در این سرآغاز پر از التهاب و دشواری‌ها، به اسلوب تحسین برانگیزی درخشیده است اما شب دراز است و گرگان در کمین و گرده‌ی خونین راه از تاریکی و ظلمت انبوه!

اطلاعاتی و رسانه‌ای کشور است، در سوی دیگر، ناظر متعهد و نترسی است بر عالمی از فسادپیشگی‌ها و کم‌کاری‌ها و کاستی‌های مجموعه‌ی غیرمتعهدی به‌نام دولت که بر علیه مردم خنجر فساد و سودجویی و زران‌دوئی و قبیله‌گرایی از نیم کشیده است. اطلاعات روز با قرار دادن سه رویکرد ارزشمند در سرلوحه‌ی کار رسانه‌ای‌اش، وزنه‌ی انکار ناپذیری در جامعه‌ی رسانه‌ای ایجاد کرده است. ترجمه، تحلیل و طنز که بنیان‌های سه گانه‌ی کاری این روزنامه را شکل می‌دهند، کیفیت خوبی در کار رسانه‌ای به حساب می‌آیند. چند مترجم خوش فکر و چیره دست به همراه نویسندگان جوان و آرمان‌گرای که در این روزنامه مطلب می‌نویسند و یکی از درشت‌دانگان طنز افغانستان، در کنار متصدیان و مسئولان دیگری که حواشی محتوای اطلاعات روز هستند، چیزی بیرون می‌دهند که می‌تواند در حد قابل توجهی کفاف نیازهای مخاطبان رسانه را در پایتخت فراهم آورد. به علاوه، به‌عنوان تکرار مزیت، رویکرد دادخواهانه و مردم سالارانه در هر سه محور کار اطلاعات روز رسالتی را بر دستان ما می‌گذارد که از این سکوی دادخواهی و مردم سالاری حمایت کنیم و نگذاریم این جبهه‌ی بی‌ریا از نفس کشیدن بیایستد یا لنگ لنگان به کارش ادامه دهد تا در فردایی که محتمل است و انتظارش را داریم اگر باز هم فرخنده‌ای را در شاه دو شمشیره زیر باران چوب و سنگ زجرکش کردند یا کودک بی‌گناه و مظلومی را در آخرین حد قساوت و بی‌رحمی در فلات زابل زیر برندگی تیغ تروریسم و خشونت کشتند، بتوانیم با فراغ بال و خاطر جمع از تمامی ظرفیت‌هایی که اطلاعات روز ایجاد کرده است و ایجاد خواهد کرد برای دادخواهی و بسیج جریان‌های اعتراضی سود ببریم و مجبور نباشیم با صرف هزینه‌های مالی بسیاری و عبور از هفت خان رستم واسطه و نیاز و امکانات مالی به درگاه نهادهایی برویم که فقط با تجلج دالر و درخشندگی پول و لابی‌گری‌های سیاسی برای دادخواهی و بسیج جریان‌های معترض همکاری می‌کنند. اطلاعات روز و همه‌ی رسانه‌های مستقل و متعهد به آرمان‌های بلند و سپید نسل دادخواهی و وارثان محرومیت را به هر نوع و شیوه‌ای که می‌توانیم و امکانات‌اش را داریم، حمایت و پشتیبانی کنیم که در روزگار فساد و استثمار و خریدن امکانات نهادهای رسانه‌ای به واسطه‌ی قدرت سیاسی و پول‌های بادآورده‌ی حکومتی، چنین سکوها و منزلگاه‌هایی غنیمت‌های ارزشمند و استراتژیک ماست. امیدوارم مجموعه‌ی اطلاعات روز که از فرخندگی حادثه یک جمع همدل هستند، فکری به حال ناخوش بنیه‌های مالی و پایگاه‌های مستحکم و مداوم حمایت اقتصادی روزنامه هم بکنند؛ زیرا در روزگاری که درآمدزایی و اتکا به میزان درخشندگی قدرت اقتصادی، بزرگ‌ترین محور کار تمامی شبکه‌ها و حلقه‌ها را تشکیل می‌دهد، شاید نتوان با همدلی‌های معنوی و حساب باز کردن بر تعاون‌های مالی و معنوی افراد و نهادهای هم‌فکر و هم‌رأی-که به گمان من یک توهم و خوش‌بینی غیرمحتمل است- تا دوردست‌های وسیع بازدهی و نتیجه بخشی ادامه داد. اطلاعات روز، کار دور و درازی در پیش دارد و هرچند که در این سرآغاز پر از التهاب و دشواری‌ها، به اسلوب تحسین برانگیزی درخشیده است اما شب دراز است و گرگان در کمین و گرده‌ی خونین راه از تاریکی و ظلمت انبوه!



شنبه

۱۰ دلو ۱۳۹۴

سال پنجم



جوادره

## حقوق بشر در اطلاعات روز

حقوق بشر، حقوقی است که انسان‌ها به خاطر انسان بودن، فارغ از ملیت، محل زیست، جنسیت، رنگ پوست، زبان و مذهب، از آن برخوردارند. این حقوق به شکل امروزی آن در اعلامیه‌ها، معاهدات و عرف بین‌المللی گنجانیده شده‌اند. دولت‌ها وظیفه اصلی ترویج و حفاظت از حقوق بشر را به عهده داشته‌اند، در این راستا قوانین و سازوکارهایی را روی دست دارند. متأسفانه، باوجودی که دولت‌ها وظیفه اصلی ترویج و حفاظت از حقوق بشر را دارند، مهم‌ترین ناقضان حقوق بشر نیز می‌باشند. به همین دلیل، رسانه‌ها، به عنوان نهادی که وظیفه اطلاع‌رسانی به شهروندان از تصمیم‌ها و عملکردهای دولت‌ها را به عهده دارند و دولت‌مداران را پاسخ‌گو قرار می‌دهند، می‌توانند نقش مهمی در ترویج و حفاظت از حقوق بشر بازی کنند. نقش رسانه‌های آزاد، به‌ویژه، در ترویج و حفاظت از حقوق بشر ارزنده است. نگاهی به آزادی رسانه‌ها و وضعیت حقوق بشر در دنیا نشان می‌دهد کشورهای که بیش‌ترین آزادی رسانه‌ای را دارند، عموماً وضعیت حقوق بشری بهتری نیز دارند. به صورت عموم، رسانه‌ها می‌توانند به شیوه‌های زیر به ترویج و حفاظت از حقوق بشر یاری رسانند.

یک رسانه‌ها می‌توانند این آگاهی را در جوامع پخش کنند که احترام به یک سلسله ارزش‌ها مانند عدم خشونت، مدارا، حفاظت از محیط زیست و حقوق انسان‌ها از نیازهای اساسی جوامع انسانی بوده، زندگی سالم‌آمیز بدون احترام به این ارزش‌ها مختل شده، فجایع انسانی را در پی دارد.

دو رسانه‌ها می‌توانند به مردم در مورد حقوق بشری‌شان معلومات داده، سطح آگاهی عمومی را در مورد حقوق بشر افزایش دهند. افزایش آگاهی عمومی در مورد حقوق بشر می‌تواند از یک سو نقض این حقوق را کاهش داده، از سوی دیگر، کمک می‌کند تا انسان‌ها در برابر نقض حقوق‌شان ایستادگی کنند.

سه رسانه‌ها می‌توانند با آگاهی دادن به مردم در مورد راه‌های حل مشکلات‌شان، آن‌ها را در حفاظت از حقوق‌شان یاری رسانند. همچنین، رسانه‌ها می‌توانند با آگاهی‌دهی از سازوکارهای دادخواهی، مردم را کمک کنند تا نقض حقوق‌شان را پی‌گیری نموده، جبران خسارت دریافت کنند.

چهار رسانه‌ها می‌توانند نیازمندی مردم و مناطقی را که حقوق انسانی‌شان در معرض خطر قرار دارد، یا از حقوق‌شان بی‌بهره‌اند،

برجسته ساخته، توجه نهادهای مسئول را در بهبود وضعیت آن مردم و مناطق جلب کنند.

پنج رسانه‌ها، از همه مهم‌تر، می‌توانند با افشای نقض حقوق بشر و ناقضان آن، به ویژه دولت‌مداران، آن‌ها را پاسخ‌گو قرار داده، از نقض حقوق بشر جلوگیری کنند.

اگر به وضعیت آزادی رسانه‌ها و حقوق بشر، در سال‌های اخیر، در افغانستان بنگریم، دیده می‌شود که رسانه‌ها به صورت تدریجی نقش بیشتری در ترویج و حفاظت از حقوق بشر می‌گیرند. در میان صداها رویداد نقض حقوق بشر، رویدادهایی مانند قتل فرخنده در کابل، سنگسار رخشانه در غور، گردن زدن شکرپه تسم و شش تن از همراهانش در زابل به مدد رسانه‌ها به گوش مردم افغانستان و جهان رسانیده شده، اعتراضات گسترده مردمی را برانگیخت که در نهایت دولت را وادار به پی‌گیری این رویدادها نمود.

در میان رسانه‌های افغان، روزنامه‌ی اطلاعات روز، یکی از رسانه‌هایی است که ترویج و حفاظت از حقوق بشر را از وظایف خود دانسته است. چاپ ویژه‌نامه‌های زنان، فرخنده و پرونده کابل بانک، نشان‌دهنده تعهد این روزنامه به حقوق بشر، به‌ویژه حقوق زنان، حق حیات، و فساد و تأثیرات آن بر حقوق بشر می‌باشد. روزنامه‌ی اطلاعات روز، به‌ویژه، به بلند بردن آگاهی زنان، ترویج احترام به حقوق زنان و نشر و پی‌گیری موارد خشونت علیه زنان توجه کرده است. همچنین، این روزنامه به حقوق مردم و مناطق محروم از طریق پرداختن به مشکلات آن‌ها، که یکی از راه‌های جلب توجه دولت به بهبود وضعیت زیست آن مناطق، پرداخته است که نمایان‌گر تعهد این روزنامه به حق توسعه برابر و برخورداری تمامی شهروندان افغانستان از حقوق انسانی‌شان است. علاوه بر این، اطلاعات روز به عنوان یکی از رسانه‌ها منتقد، به صورت مداوم کاستی‌ها و نابه‌سامانی‌های نهادهای دولتی را به نقد گرفته و از این راه به بهبود حکومت‌داری، که تأثیر مستقیم بر بهبود وضعیت حقوق بشر دارد، کمک کرده است. هرچند سنجش دقیق تأثیر عملکرد اطلاعات روز بر وضعیت حقوق بشر در کشور دشوار است، اما نگاهی به هزار شماره‌ی گذشته این روزنامه توجه آن را به حقوق بشر ستودنی می‌سازد. امیدوارم به مدد کار این روزنامه و دیگر رسانه‌های افغان، احترام و رعایت حقوق بشر در کشور گسترش یافته، مردم افغانستان بتوانند از حقوق لایتنج‌زای انسانی خود بهره‌مند شوند.

نگاهی عدالت‌محور و دموکراتیک به پدیده‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، همواره به منظور بهبود وضعیت کلی در کشور قدم برداشته است.

رسانه‌های نوشتاری در افغانستان نتوانسته‌اند در اذهان عمومی تصویری را برآشوبند که یک رسانه مسئولیت آن را دارد. قریب به اکثر رسانه‌های نوشتاری خصوصی نیز به دلایل مختلف و از جمله وابستگی‌های اقتصادی، رویکرد قومی و سیاست‌زدگی، کارآیی و جایگاه آن‌چنان مفیدی نداشته و ندارند. چه‌بسا رسانه‌هایی وجود دارند که به دلایل و انگیزه‌های قومی مسئله را عکس آن‌چه وجود داشته و دارد منعکس ساخته‌اند و چه‌بسا رسانه‌هایی نیز وجود دارند که به دلیل وابستگی‌های سیاسی، از انعکاس حقیقت امتناع می‌ورزند و یا قدرت انعکاس واقعیت را ندارند. نبود مخاطب مشخص برای رسانه‌های نوشتاری، به‌عنوان یک چالش جدی مطرح است. هم‌چنان که نبود فرهنگ روزنامه‌خوانی میان مردم، مشکل بزرگی است و پیامدهای منفی این مسئله می‌تواند جبران‌ناپذیر باشد. مطبوعات با رسالت بزرگ و تعیین‌کننده‌ای که دارند، می‌توانند وسیله‌ای باشند برای ایجاد یک ساختار دموکراتیک و منطقی برای گفت‌وگو، ترویج فرهنگ شهرنشین، راه‌اندازی گفتمان‌های جدی و عمیق کارشناسی و علمی و در نتیجه تبلیغ برای ثبات، حاکمیت قانون و تأمین عدالت و امنیت. این‌که رسانه‌ها و مطبوعات به‌عنوان یکی از ستون‌های اصلی قدرت در جامعه‌ی ما مطرح نظر نیستند، مایه دلواپسی و نگرانی است. عوامل و مدیران رسانه‌ها مسئولیت دارند تا مسیر یک رسانه را به گونه‌ای تعیین کنند که مورد توجه عوام قرار بگیرد. از میان همه‌ی اعضای خانواده‌ی مطبوعات افغانستان، یکی از رسانه‌هایی که توانسته است توجه عام مردم را به خود جلب کند و برای همه‌ی شهروندان، در همه حال خواندنی‌تر باشد، روزنامه‌ی اطلاعات روز است. در حقیقت، وجود مطالب تحلیلی، آموزشی، روانشناختی،

تفریحی، طنز و ترجمه‌ی مقالات معتبر، این روزنامه را کاملاً استثنایی، عام‌فهم، عام‌پسند و [برای همه] خواندنی ساخته است. به اطمینان کامل می‌توان مدعی شد که دانشگاه‌ها و نهادهای آکادمیک کشور یکی از جدی‌ترین مخاطبان روزنامه‌ی اطلاعات روز هستند. یکی از روزنامه‌هایی که دانشجویان به خواندن آن علاقه‌مندی نشان می‌دهند، و مطالب آن یکی از سوژه‌های اصلی مجالس دانشجویی را تشکیل می‌دهد، روزنامه‌ی اطلاعات روز می‌باشد.

دور از واقعیت نیست اگر ادعا کنیم که اطلاعات روز در مدت کم، به شکل حساب‌شده و مؤثر میان شهروندان جا باز کرده و جایگاه ویژه‌ای را در خانواده‌ی مطبوعات کشور از آن خود کرده است. روزنامه‌ی اطلاعات روز، در کنار مطالب مفید و مهم که به شکل منظم به نشر سپرده شده و می‌شود، با انتشار سلسله ویژه‌نامه‌هایی در رابطه با یک عده نویسندگان و شخصیت‌های علمی کشور، زنان و مسایل دادخواهانه‌ی انسانی و حقوقی، ابتکاری را در عرصه‌های اطلاع‌رسانی و تولید متن و بزرگداشت از شخصیت‌های علمی کشور به خرج داده است. دفتر روزنامه‌ی اطلاعات روز در سال‌های گذشته نقش کانونی را بازی کرده است که فعالان جوان توانسته‌اند به گونه‌ای آزادانه از آن به عنوان مجرای برای حرف‌زدن با دیگر قشرهای جامعه، و گفت‌وگو با اجتماع و مردم استفاده ببرند. در سال‌های گذشته، فعالان سیاسی جوان، با استفاده از همین روزنه پیام خودشان را به دیگران انتقال داده‌اند، حرف زده‌اند و استفاده‌ای بهینه از آن برده‌اند. هم‌اکنون، روزنامه‌ی اطلاعات روز برای جامعه‌ی سیاسی و رسانه‌ای کشور، به یک ارزش مبدل شده است. اطلاعات روز برخلاف عرف معمول رسانه‌ای که در افغانستان حاکم است و بدون هیچ‌گونه وابستگی، توانسته است در مسیر طولانی و پریپیچ‌وخم آزادی و دادخواهی گام‌هایی بردارد که اکنون به یک نماد تبدیل شده است.

قرار است از «اطلاعات روز» بنویسم؛ روزنامه‌ای که در فضای به‌شدت آلوده‌ی اخلاق و سیاست و کارهای رسانه‌ای، توانسته است نقش یک رسانه‌ی به‌راستی معیاری را در افغانستان بازی کند. اگر اطلاع‌رسانی دقیق، بی‌طرفانه و مناسب را از مؤلفه‌های اصلی یک رسانه‌ی خوب و معیاری بدانیم، اطلاعات روز دارای همین عناصر است. اطلاعات روز در طی سال‌های فعالیت خویش، با تحمل مشکلات زیادی که فقط یک اهل رسانه به آن دشواری‌ها ملتمف است، توانسته است در راستای روشنگری و نهادینه‌سازی آیین گفت‌وگو و نقد، گام‌های استوار و پایداری بردارد. مدیران و دست‌اندرکاران روزنامه‌ی اطلاعات روز، با تعهد کامل اخلاقی و با جسارت سیاسی که از خود بیرون داده است، حربه‌ی «نقد» را به گونه‌ی مناسب آن در جامعه‌ی سیاسی و مطبوعاتی افغانستان به کار برده و برای تحقق عدالت، مبارزه‌ی دادخواهانه کرده است. با وصف این‌که در چندین مورد ما شاهد آن بودیم که از نهادهای بنیادگرا گرفته تا حکومت و سیاست‌مداران، در برابر این نهاد مدنی مانع تراشیده و با سنگ‌اندازی کوشیده‌اند جلوی رویکرد صریح، متوازن و غیرجانبدارانه‌ی این روزنامه‌ی مردمی را بگیرند، اطلاعات روز اما، با صادقانه‌ترین رویکرد و با



بهار مهر  
نویسنده و مترجم

## ترجمه، نقش و جایگاه آن در رسانه‌های افغانستان

«زبان جهان را برای ما تعریف می‌کند»

ترجمه در آموزش، آگاهی‌دهی، ایجاد ذهنیت و دیدگاه، تکامل علمی و تحلیل همه جانبه‌ی بحث‌ها، قضایا و رویدادها از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر است.

جامعه‌ی امروز افغانستان؛ قشر دانشگاهی، سیاسی و علمی بیش از هر زمانی نیاز به دسترسی به متون آکادمیک، تحلیلی و سیاسی دارند. بی‌تردید ترجمه است که می‌تواند به بسیاری از این نیازها پاسخ درخور بدهد و به ما متون مرتبط، غنی شده و مهم را معرفی کند.

ترجمه در ایجاد بستر گفت‌وگو میان ملت‌ها، جوامع سیاسی و نخبگان خوب‌ترین و موثرترین ابزار بوده و جوامع را کمک می‌کند با همدیگر پیوند و تماس برقرار کنند و راه‌های سازندگی را بیابند.

در جهانی که دیگر جهانی شدن یک تصور نیست، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در حال رشد آن‌را بیش از پیش تحکیم بخشیده و موانع فرهنگی، نژادی و جغرافیایی را درهم نوردیده است؛ مردمانی از هر ملت و زبان با همدیگر تماس برقرار می‌کنند و به واسطه‌ی ترجمه‌های آنلاین به صورت مجازی مشکلات افهام و تفهیم را نیز به حداقل رسانده‌اند.

ترجمه صرفاً یک پروسه‌ی زبانی نیست بلکه می‌تواند منبع دانش، تسهیل‌کننده گفت‌وگوها و ابزار مهم بر سیاست‌گذاری‌ها باشد. اما دسترسی به متون تخصصی و مورد استفاده‌ی دانشجویان، پژوهش‌گران و اهل مطالعه تنها از طریق ترجمه‌ی متون تخصصی و حرفه‌ای ممکن است که در کتب ترجمه شده و محدود روزنامه‌های در افغانستان قابل دسترسی است.

در شرایطی که نیاز به ترجمه و دسترسی به متون ترجمه شده همه روزه افزایش می‌یابد، ما نیاز به روزنامه‌ها و نشریه‌هایی داریم که بتوانند دانش نوین و امروزی را فارغ از محدودیت‌های فرهنگی، سیاسی و جغرافیایی به جامعه ارائه کنند.

در افغانستان روزنامه‌ی اطلاعات روز، هشت صبح و تعدادی از پایگاه‌های اینترنتی گام‌های استواری در این راستا برداشته‌اند. اما کار ترجمه و ایجاد تأثیرگذاری‌های مثبت از این طریق بر سیاست، روندهای گفت‌وگو، ایجاد موثرت در کار مبارزه علیه خشونت و فساد، حقوق بشر، آگاهی بخشی و حل منازعات به تلاش‌های بیشتری نیاز دارد.

اما آن‌چه را به بهانه‌ی هزارمین شماره روزنامه‌ی اطلاعات روز می‌شود به عنوان یکی از ویژگی‌های براننده‌ی این روزنامه همزمان با مناسبت هزارمین شماره تبریک گفت، پرداختن جدی به ترجمه‌های جدی و تأثیر گذارش هست. انتظار ما این است که (اطلاعات روز در هزاره دوم‌اش) پخته‌تر و جدی‌تر از تجربه‌ی هزار شماره‌ی اول‌اش اطلاع‌رسانی مسؤلانه را ادامه بدهد و ترجمه‌های جدی‌تر و تأثیرگذاری تری را بیشتر از پیش به مخاطبان‌اش برسانند.



سخی خالد

## اطلاعات روز یک ارزش است

قرار است از «اطلاعات روز» بنویسم؛ روزنامه‌ای که در فضای به‌شدت آلوده‌ی اخلاق و سیاست و کارهای رسانه‌ای، توانسته است نقش یک رسانه‌ی به‌راستی معیاری را در افغانستان بازی کند. اگر اطلاع‌رسانی دقیق، بی‌طرفانه و مناسب را از مؤلفه‌های اصلی یک رسانه‌ی خوب و معیاری بدانیم، اطلاعات روز دارای همین عناصر است. اطلاعات روز در طی سال‌های فعالیت خویش، با تحمل مشکلات زیادی که فقط یک اهل رسانه به آن دشواری‌ها ملتمف است، توانسته است در راستای روشنگری و نهادینه‌سازی آیین گفت‌وگو و نقد، گام‌های استوار و پایداری بردارد. مدیران و دست‌اندرکاران روزنامه‌ی اطلاعات روز، با تعهد کامل اخلاقی و با جسارت سیاسی که از خود بیرون داده است، حربه‌ی «نقد» را به گونه‌ی مناسب آن در جامعه‌ی سیاسی و مطبوعاتی افغانستان به کار برده و برای تحقق عدالت، مبارزه‌ی دادخواهانه کرده است. با وصف این‌که در چندین مورد ما شاهد آن بودیم که از نهادهای بنیادگرا گرفته تا حکومت و سیاست‌مداران، در برابر این نهاد مدنی مانع تراشیده و با سنگ‌اندازی کوشیده‌اند جلوی رویکرد صریح، متوازن و غیرجانبدارانه‌ی این روزنامه‌ی مردمی را بگیرند، اطلاعات روز اما، با صادقانه‌ترین رویکرد و با



بسم الله محبت  
خبرنگار

## دلم برای اطلاعات روز تنگ می شود (به مناسبت نشر یک هزارمین شماره‌ی روزنامه‌ی اطلاعات روز)

روزهایی که من به‌عنوان ویراستار کارم را در روزنامه‌ی اطلاعات روز آغاز کردم، این روزنامه بیشتر «اطلاعاتی» بود؛ مطالب جالب، علمی، بهداشتی، ورزش و تازه‌ی جهانی را منتشر می‌کرد و سروکار زیادی با سیاست نداشت. تازه یک صفحه‌اش را به خبر داخلی افغانستان و صفحه‌ی دیگری را به موضوعات سیاسی و اجتماعی اختصاص داده بود. در این صفحه، فقط طنزهای تندوتیز «خبرنگار ناراضی» را داشتیم و روزانه یک نوشته‌ی دیگر تحلیلی.

من کاملاً غیرمنتظره و از طریق فیس‌بوک، ویراستار اطلاعات روز شدم؛ بدون این‌که «تجربه‌ی کاری» رسمی‌ای در زمینه‌ی ویراستاری داشته باشم، و خیلی زود با اطلاعات روز، ذکی دریایی و همکاران دیگرم انس گرفتم.

پس آن‌ترها، اطلاعات روز تبدیل به خانه‌ام شد. آن‌جا هم کار می‌کردم و هم زندگی. من و بچه‌هایی که آن‌جا بودیم، با اطلاعات روز «خودی» شده بودیم؛ شبیه اعضای یک خانواده. اطلاعات روز متعلق به همه‌ی ما بود.

ما، یک تعداد جوان‌هایی که تازه مشق روزنامه‌نگاری می‌کردیم، کم‌کم صفحه‌های بیشتری از اطلاعات روز را به سیاست و اجتماع اختصاص دادیم و کار ما روز به روز جدی‌تر شد. اطلاعات روز هر روز پرآوازه‌تر، پرخواننده‌تر و پربارتر می‌شد و با روزنامه‌هایی که سابقه‌ای طولانی داشتند رقابت می‌کرد.

بچه‌هایی که در اطلاعات روز بودند، یا جدیداً

می‌آمدند، همه خودی می‌شدند. همه اطلاعات روز را خانه‌ی شان فرض می‌کردند و صادقانه برای این روزنامه کار می‌کردند.

اطلاعات روز برای بیشتر اعضای خانواده‌اش یک سکوی پرش نیز بود. در جامعه‌ی ناخوانا و نانویسای افغانستان، در خانه‌ی اطلاعات روز به روی همه‌ی دانشجویانی که می‌خواستند مشق روزنامه‌نگاری کنند و رسانه‌های دیگر نیز به گناه نداشتن «تجربه کاری» ارزشی به استعدادهای آن‌ها نمی‌دادند، باز بود. آن‌ها خیلی راحت و دور از واسطه‌بازی و «کش‌وفش»‌های دیگر روند استخدام در سازمان‌های رسانه‌ای، می‌توانستند برای اطلاعات روز کار کنند.

یکی از چالش‌های بزرگ فراره جوانان تازه‌کار، همین است؛ بزرگان آن‌ها را به‌عنوان آن‌چه که هستند قبول ندارند و استعدادهای آن‌ها را بدون «تجربه کاری» خیلی راحت ضرب در هیچ می‌کنند. اکنون که تجربه‌ی من در زمینه‌ی رسانه‌گری وارد سال چهارم می‌شود، این‌که به گفته‌ی آن استاد بزرگوار ما، «از درودیوار رسانه‌های افغانستان «چتلی» می‌بارد»، اصلاً برایم تعجب نیست؛ زیرا مدیران بیشتر رسانه‌ها افرادی را با بیش از ده سال تجربه‌ی کاری (!) استخدام می‌کنند که حتی به اندازه‌ی یک‌دهم افراد تازه‌کار سواد ندارند. من اکنون فراوان با این‌گونه افراد سروکار دارم و راستش به‌عنوان ویراستار، دلم برای نوشته‌های همان جوانان بی‌تجربه‌ی اطلاعات روز تنگ

می‌شود. از این منظر، در جامعه‌ی «پیرسیالار» روزنامه‌نگاری افغانستان، اطلاعات روز کاملاً یک تجربه‌ی تازه است. روزنامه‌ای که با کار همین جوانان تازه‌کار، اکنون جایگاهش را به‌عنوان یکی از روزنامه‌های برتر در دل مردم افغانستان باز کرده است.

شاید کم‌تر کسی باور کند که اطلاعات روز برخلاف رسانه‌هایی که حتا مطالب حقوق بشری را «به نرخ دالر» به نشر می‌رسانند و چهره‌های گنده‌ی سیاسی و قومی پشت آن‌ها ایستاده‌اند، آزادانه در زمینه‌ی آن‌چه که باور دارد، قدم می‌زند و می‌نویسد، بدون هیچ چشم‌داشتی.

ویژه‌نامه‌هایی چون پرونده‌ی فساد کابل‌بانک، استاد قسیم اخگر، فرخنده و... را که اطلاعات روز منتشر کرد، بدون شک در تاریخ روزنامه‌های افغانستان ماندگار هستند.

امروز، اطلاعات روز در چهارمین سال نشراتش قرار دارد و یک‌هزار شماره‌اش منتشر شده است، و این کار اندکی نیست. در سرزمینی که روزنامه‌ها مرگ زودرس و فصلی دارند و گروه‌گروه روزنامه و هفته‌نامه و... هر روز ایجاد می‌شوند و صاحبان آن‌ها پس از رسیدن/ترسیدن به اهداف‌شان از صحنه خارج می‌شوند، اطلاعات روز ثابت کرد که هدف‌مند و متعهد است.

آرزو می‌کنم اطلاعات روز هم‌چنان درخشان بماند و تا سال‌های سال به وظیفه‌ی اطلاع‌رسانی و روشنگری‌اش در افغانستان ادامه دهد.

پرداختن به آن‌چه بسیاری از روزنامه‌های دیگر تنها در موقعیت خاص به آن می‌پرداختند یا در کل از آن اجتناب می‌کردند. مسایل حقوق بشری بخشی از مطالب محوری این روزنامه را تشکیل می‌دادند.

نسخه‌ی پی‌دی‌اف کتاب را به مدیرمسئول روزنامه، ذکی دریایی، فرستادم و نظرشان را در رابطه با انتشار ترجمه‌ی کتاب در روزنامه خواستم. اگرچه به ایشان گفتم که این نخستین کار ترجمه‌ی من است، اما از این پیشنهاد استقبال کردند. در رابطه با این‌که می‌خواهم به چه شکلی و کدام بخش صفحه منتشر شود صحبت کردیم و از چند روز بعد همکاری با اطلاعات روز را با ترجمه‌ی روزانه‌ی بخشی از کتاب «مقدمه‌ای کوتاه بر فمینیسم» آغاز کردم که پس از پایان آن، با ترجمه‌ی مقالاتی دیگر در زمینه‌ی زنان ادامه یافت. بخش‌هایی از کتاب با توجه به وضعیت جامعه‌ی افغانستان بی‌ربط به نظر می‌رسیدند، بنابراین از آقای دریایی برای حذف آن‌ها مشورت خواستم و پاسخ این بود که «هرجا که صلاح می‌دانید حذف کنید». در گفت‌وگوهای گاه‌گاه، برجسته‌ترین نکته این بود که در این روزنامه احترام به عقاید و قضاوت تمام همکاران یک اصل است. علاوه‌براین، شاهد بوده‌ایم که رسانه‌های چاپی و غیرچاپی دیگر که به این موضوع می‌پردازند، هرزمان موضوعی که به نظرشان «مهم‌تر» بوده است پیش آمده باشد، این بخش را به راحتی جایگزین می‌کنند. اما اطلاعات روز بر تعهد خود به این موضوع استوار بود و بنابراین، به‌جز سه یا چهار مورد ناگزیری، این ستون بی‌وقفه منتشر شد.

بعد از مدتی تصمیم گرفتم انتشار ترجمه با این موضوع را برای مدتی متوقف کنم و تا بازگشت به آن، به ترجمه‌ی مطالب دیگر بپردازم و همکاری‌ام با اطلاعات روز ادامه داشته باشد. در زمینه‌ی موضوعات دیگر نیز، برای انتخاب مطالب و شیوه‌ی بازنگری ترجمه‌ها قاعده‌ای سفارشی وجود نداشت.

در اطلاعات روز بسیار آموختم؛ نه تنها از ترجمه کردن که افتان و خیزان و به‌دشواری آغاز شد، که در کنار آن از همکاری با خانواده‌ی کوچک اطلاعات روز. صادقانه می‌گویم که تجربه‌ی همکاری با اطلاعات روز برایم یکی از اتفاق‌های خوب بوده است. بنابراین، اکنون که این گروه کوچک گام هزارم را برداشت، و این در افغانستان کاری ساده نیست، خوشحالم که من هم در این ماه‌ها بخشی از آن بوده‌ام.

گذار از این هزاره را به خودم، همکارانم و اهل رسانه تبریک می‌گویم، و امیدوارم این گام خجسته در آینده موفقیت‌هایی بیشتر دنبال شود.



معصومه عرفانی

## و اینک، گام هزارم

۱۰۰۰ شماره از آغاز به کار روزنامه‌ی «اطلاعات روز» گذشت. روزنامه‌ای که بدون ذکر صفت‌هایی چون وزین و ... که من چندان به آن‌ها وارد نیستم نیز به اهل رسانه و مخاطبان آن در افغانستان پرواض است که وزنه‌ی سنگینی در عرصه‌ی رسانه‌ای کشور است. با این روزنامه در همان ابتدای انتشارش آشنا شدم؛ یعنی چهار سال قبل و زمانی که اطلاعات روز رسانه‌ای چاپی بود که بیشتر در زمینه‌ی انتشار مطالبی جالب و اطلاعاتی در زمینه‌های ورزشی و پزشکی و... و کم‌تر خبری، فعالیت داشت. بعد از آن مدت‌های زیادی این روزنامه را ندیدم و نخواندم، و درواقع مدت‌های زیادی هیچ‌کدام از روزنامه‌های افغانستان را ندیدم و نخواندم. مدتی بعد که باز شروع کردم به سرزدن به دنیای رسانه‌ای افغانستان، به‌خصوص صفحات انترنتی این رسانه‌ها، اطلاعات روز را متفاوت یافتیم.

بخش‌های متنوع و خواندنی، سرشار، قابل توجه و قابل تامل، صفحات این روزنامه را پر کرده بودند و نشان از این داشتند که این رسانه با هدایت مدیران جوان و مشتاق و متعهد خود در مسیری بازگشت‌ناپذیر قرار دارد تا صدای مردمی باشد که به دلایلی مختلف فرصت «سخن گفتن» یا «آزادانه سخن گفتن» را نیافته بودند. در کنار پرداختن به موضوعات مهم اجتماعی و سیاسی، آن‌چه از دیگر نکات برجسته در رابطه با این روزنامه بود و به روشنی می‌شد آن را دریافت، استقلال و خطمشی ثابت روزنامه بود. و پیش از فراموش کردن بگویم که نکته‌ی مهم دیگر این بود که همکاران اطلاعات روز همه جوان بودند و این برای من تشویق‌کننده بود.

اما همکاری من با اطلاعات روز، از دغدغه‌ی ذهنی همواره‌ی من با «مسئله»‌ی زن و «مسئله‌بودن» زن در کل و به‌شکل خاص در جامعه‌ی افغانستان، ناشی شد. از اندیشه بر پاسخ‌دادن به این سوال که «چرا زن تبدیل به یک مسئله شده است؟» برای پرداختن به این موضوع تلاش کردم تا منابع فارسی در این زمینه را جمع‌آوری کنم، اما این کار به دو دلیل دشوار بود:



هادی صادقی  
مدیرمسئول خبرگزاری  
مرکزی

## اطلاعات روز؛ تجربه‌ی موفق نسل دانشگاهی افغانستان

روزنامه اطلاعات روز موفق‌ترین تجربه نسل جدید دانشگاهی افغانستان - حوزه پایتخت است و از این نظر که جز دانشگاه و مجموعه‌های دانشجویی به هیچ نهاد قدرت و ثروت وصل نبودند، تنها تجربه است. اطلاعات روز پنج سال پیش از اتاق‌های محقرانه و نمناک دانشجویی درخواست و با تلاش و پشتکار مدیران آن، بر سکوی آزادی بیان نشست و اینک به بزرگ‌ترین تجربه موفق نسل جدید دانشگاهی افغانستان در حوزه رسانه بدل شده است. چهار سال پیش وقتی دریایی از تصمیمش برای ایجاد یک روزنامه با من گفت، هیچ تصور نمی‌کردم که این تصمیم روزی در قالب روزنامه‌ی اطلاعات روز کنونی تجلی یابد و هزارمین شماره‌اش را بخوانیم.

تفاوت برجسته روزنامه‌ی اطلاعات روز با دیگر رسانه‌ها و نهادهای فرهنگی - مدنی، خواستگاه و مشی کاری آن است. اکثر رسانه‌ها و نهادهای فرهنگی - مدنی که در طول چهارده سال گذشته ایجاد شدند، یا از سوی نهادهای قدرت و تشکل‌های سیاسی و مذهبی به منظور استفاده‌های ابزاری ایجاد شدند و یا هم از سوی انجوها در قالب پروژه‌های اقتصادی، اما روزنامه‌ی اطلاعات روز نه به منبع سیاسی و مذهبی وصل بود و نه هم ارتباطی با انجوها و نهادهای تمویل‌کننده داشت. همین عامل، به روزنامه‌ی اطلاعات روز فرصت داد تا در موضع‌گیری‌ها و سیاست‌های نشراتی خود مستقل و جسورانه عمل کند و حرف‌هایی را بگوید که دیگر رسانه‌ها به دلیل مصلحت‌های گوناگون از گفتش ابا می‌ورزیدند.

برای نخستین بار تلاش برای ترویج فرهنگ روزنامه خوانی در میان مردم از سوی روزنامه‌ی اطلاعات روز آغاز شد. نخستین شماره‌های اطلاعات روز در میان خانواده‌ها و کسبه‌کاران توزیع می‌شد و تلاش می‌کردند که فرهنگ روزنامه خوانی را در میان مردم ترویج کنند. ویژه‌نامه‌های خانواده این روزنامه که در روزهای پنج‌شنبه چاپ می‌شد و خصوصاً در میان خانواده‌ها توزیع می‌شد، پای روزنامه را در میان خانواده‌ها باز کرد و آن‌ها را تشویق کردند که در اشتراک روزنامه‌ها سهم بگیرند.

احیا منابع مالی و عایداتی شفاف و اصولی روزنامه، از دیگر برجستگی‌های روزنامه اطلاعات روز است. این روزنامه منابع اقتصادی چون فروش، اشتراک سالانه و آگهی‌های بازرگانی که از منابع عایداتی اصلی روزنامه می‌باشد، را جدی گرفت و جزء چند رسانه‌ای محدودی بود که این منابع را قابل استفاده ساخت. در بخش طراحی، چاپ، توزیع و نشر منظم، و از همه مهم‌تر محتوای عالی، مشترکین زیادی برای خود جلب کرد و در بازار آگهی‌های بازرگانی اعتبار زیادی برای خود خلق کرد.

### در اطلاعات روز بسیار آموختم؛

نه تنها از ترجمه کردن که افتان.

و خیزان و به‌دشواری آغاز شد.

که در کنار آن از همکاری با

خانواده‌ی کوچک اطلاعات روز.

صادقانه می‌گویم که تجربه‌ی

همکاری با اطلاعات روز برایم

یکی از اتفاق‌های خوب بوده

است. بنابراین، اکنون که این

گروه کوچک گام هزارم را

برداشت، و این در افغانستان

کاری ساده نیست، خوشحالم

که من هم در این ماه‌ها بخشی

از آن بوده‌ام.

گذار از این هزاره را به

خودم، همکارانم و اهل رسانه

تبریک می‌گویم، و امیدوارم

این گام خجسته در آینده با

موفقیت‌هایی بیشتر دنبال

شود.





به عنوان یک مخاطب و کسی که از یک طرف فضای رسانه‌ای و مشکلات کار در این عرصه به خصوص رسانه‌های چاپی را تا حدی می‌شناسم و از سوی دیگر اهمیت و تاثیر رسانه‌های چاپی را بر شکل‌دهی افکار عمومی می‌دانم، باید اعتراف کنم که دست و پنجه نرم کردن با مشکلات این وادی، کاری واقعاً دشوار است و با چنین رویکردی است که نمی‌توان خوشحالی خود را از چاپ هزار و یکمین شماره این روزنامه معتبر پنهان کرد.

روزنامه آفتاب، که متأسفانه خیلی زود متوقف شد، هشت صبح، جامعه باز، ماندگار و دیگر رسانه‌های چاپی که توانسته‌اند دوام بیاورند و زیر بار فشارهای خرد کننده و وسوسه‌های فریبنده که با آن مواجه بوده‌اند نروند، بدون شک از دست‌آوردهای جامعه فرهنگی افغانستان در یک‌ونیم دهه گذشته است.



الیاس نواندیش

## ما را گمان فتد که بمانی هزار سال!

هم‌چنانی که می‌خواهیم صدای مردمانی را که در حاشیه قرار گرفته‌اند روایت کنیم، سنگ‌ریزه‌های بیشتری سد راه مان ریخته می‌شوند. فضای رعب‌آلود و خونین زندگی در افغانستان، دشوارتر از آن است که ما راویان خوب و صادقی باشیم. از یک سو دسترسی ما به اطلاعات به عنوان خبرنگار، محدود می‌گردد؛ در آخرین مورد تلاش برای پنهان‌سازی آن‌چه در گفت‌وگوهای چهارجانبه صلح می‌گذرد، از سوی دیگر تهدیدهای تروریستان دست به گریبان مان است. در یک چنین فضایی، ولع مخاطب بیش از هر زمانی فزونی گرفته است تا هزارتوی چراهای حوادث را دریابند و این امر به همان اندازه مسئولیت ما را نیز سنگین‌تر می‌سازد. درحالی که ما متعهد به بازگویی حقیقت رویدادها هستیم، به همان اندازه طرف‌های درگیر در تلاش پرده افکندن بر حقایقی است که در آن دخل و تصرف دارند. بنابراین کار ما به عنوان راویان حوادث، رویدادها و خبرها، صحت و دقت بیشتری می‌طلبد. در یک چنین فضایی، آمدهام تا بخشی از بازگویی روایت‌های دردناک، زهرآگین و نیز روایت‌های امیدبخش را به دوش داشته باشم. با عشق سرشار از تعهد به آزادی و آزادنشی، در کاروانی گام نهادهام که خود دانشگاهی است که هر لحظه‌اش آگاهی است و بر کوله‌بار تجربه‌ام می‌افزاید. خوشبختم که اینک «هزارمین» شماره اطلاعات روز نشر می‌شود و من عضو تیمی هستم که با کم‌ترین امکانات، بیشترین کار ممکن را انجام می‌دهیم. این هزارمین روز را هزارمین سال می‌خواهم و با این هزارمین اطلاعات روز، بی‌تی از خاقانی به یاد می‌آید که:

ما را گمان فتد که بمانی هزار سال  
معلوم صد هزار یقین در گمان ماست



داوود ناجی

## راه پر سنگلاخ «اخبار» تا «روزنامه»

انگلیسی نمی‌دانند، کمک می‌کند و از سوی دیگر به صورت مستمر نشان می‌دهد که نگاه و دیدگاه در میان نخبگان جامعه بین‌المللی در مورد افغانستان چه‌گونه است. بازتاب این دیدگاه‌ها به صورت پیوسته و مستمر این حسن را دارد که بخش قابل ملاحظه‌ای از نخبگان جامعه ما و نیز آن‌هایی که چنین مسایلی را به صورت هدفمند و دقیق‌اش دنبال می‌کنند، فهم دقیق‌تر و عینی‌تری از طرف دیگر ماجرای افغانستان که جامعه بین‌المللی است داشته باشند و بدانند که این شرکای مهم و متنوع از چه زاویه‌ای و با چه عینکی به افغانستان نگاه می‌کنند.

رویکرد اطلاعات روز هم در قبال دولت آقای کرزی و هم در قبال حکومت وحدت ملی، یک رویکرد انتقادی بوده است. اما این انتقاد از هیچ آشخور یک گروه و یا سیاست‌مداری که درگیر بازی‌های مقطعی است آب نمی‌خورد، بلکه آشخور این انتقاد، یک چیز اساسی و اصولی یعنی رسالت روزنامه‌نگاری و روزنامه‌نگاران حرفه‌ای بوده است. در این میان جدا از چاپ مقالات و تحلیل‌های انتقادی، اطلاعات روز زبان طنز قدرتمند و محکمی را نیز وارد فضای رسانه‌ای افغانستان کرد. این روزنامه با ایجاد ستون «این خندون» به دبیری سخیدادها تف که بعداً به «ستون چهل» تکه تغییر نام داد، طنز سیاسی اجتماعی جدی پیگیر و منظم را رایج کرد.

به عنوان یک مخاطب و کسی که از یک طرف فضای رسانه‌ای و مشکلات کار در این عرصه به خصوص رسانه‌های چاپی را تا حدی می‌شناسم و از سوی دیگر اهمیت و تاثیر رسانه‌های چاپی را بر شکل‌دهی افکار عمومی می‌دانم، باید اعتراف کنم که دست و پنجه نرم کردن با مشکلات این وادی، کاری واقعاً دشوار است و با چنین رویکردی است که نمی‌توان خوشحالی خود را از چاپ هزار و یکمین شماره این روزنامه معتبر پنهان کرد.

روزنامه آفتاب، که متأسفانه خیلی زود متوقف شد، هشت صبح، جامعه باز، ماندگار و دیگر رسانه‌های چاپی که توانسته‌اند دوام بیاورند و زیر بار فشارهای خرد کننده و وسوسه‌های فریبنده که با آن مواجه بوده‌اند نروند، بدون شک از دست‌آوردهای جامعه فرهنگی افغانستان در یک‌ونیم دهه گذشته است.

این روزنامه‌ها در این سال‌ها با کار پیگیر خود، رنگ را در روزنامه‌نگاری معنا کردند، تیر را هویت دادند، زبان را پالش دادند، منتقدان حاکمیت را فرصت حرف زدن دادند، کزی‌ها را نشانی کردند، پنهان‌کاری‌ها را افشا کردند. بی آن‌که بخشی اعظمی از مخاطبان‌شان بدانند، فشارهای جدی و گاه خرد کننده‌ای را متحمل شدند. تا ما خبر بخوانیم، تحلیل بنویسیم، ترجمه و طنز بخوانیم، تأمل کنیم، به اسناد و مدارک مهم دست پیدا کنیم، و راه مان را در این فضای غبارآلود بیابیم و در عمل اهمیت رسانه و روزنامه را درک کنیم و حداقل تفاوت «اخبار» و «روزنامه» را یاد بگیریم و دیگر به روزنامه‌های مان «اخبار» نگوئیم.

به عنوان یک روزنامه‌نگار دست‌ذکی دریایی و تمام دست‌اندرکاران روزنامه‌ی اطلاعات روز و مدیران و دست‌اندرکاران دیگر روزنامه‌های وزین و معیاری این کشور را می‌فشارم و می‌نویسم، مدیون و ممنون تان هستیم.

به روزنامه، اخبار می‌گفتند، حتا درس خوانده‌ها و تحصیل کرده‌ها در همین کابل پایتخت در همین ده دوازده سال پیش. هرچند من آن‌چه را عده‌ای انقلاب رسانه‌ای در افغانستان در یک‌ونیم دهه اخیر می‌خوانند، قبول ندارم. چون شمار قابل ملاحظه‌ای آن‌چه در این یک‌ونیم دهه سر برآوردند، بیش از آن‌که رسانه باشند، تربیون بودند و هستند. ولی هیچ‌کسی نمی‌تواند منکر این مسئله شود که رسانه و اطلاع‌رسانی آزاد، در همین یک‌ونیم دهه پس از سقوط طالبان یا گرفت، رشد کرد و تاثیر قابل ملاحظه‌ای بر روند شکل‌دهی افکار عمومی گذاشت.

در نخستین روزهای پس از سقوط طالبان، وقتی به پایتخت آمدم در کنار روزنامه‌های دولتی، انیس و هیواد که من هنوز آن‌ها را در دسته‌بندی تربیون دولتی قرار می‌دهم، یکی دو روزنامه‌ی تازه غیردولتی سربرآورده بود، از جمله آرمان ملی در چهار صفحه سیاه و سفید. یاد می‌آید که آن‌را با شوق و نشاط همه مطالبش را خواندم و در اتاق مسافری با عبدالله وطندار و الهام غرچی ساعت‌ها در مورد روزنامه و آرزوی این‌که بخیر از این پس شاهد ایجاد و رشد روزنامه‌های معیاری خواهیم بود و صفحه جدیدی در این زمینه باز خواهد شد، حرف زدیم.

یک بخشی از این آرزو به‌زودی برآورده شد، روزنامه‌ها و هفته نامه‌هایی که اکثراً پسوند «نو» با خود داشتند، پا به عرصه وجود گذاشتند. راه نو، امید نو، وووو. اما تقریباً می‌شود گفت اکثر این‌ها جوان‌مرگ شدند و ادامه نیافتند و به سختی می‌توان به یاد آورد که شماری از آن‌ها به شماره صد رسیده باشند. اما از پس از گذشت مدتی، از میان سنگلاخ‌های دشوارگذاری که کار فرهنگی و رسانه و به‌خصوص رسانه‌های چاپی در فضای فرهنگی این کشور دارد، یک دو سه روزنامه سر برآوردند، ادامه دادند و ایستاد شدند. از این میان یکی اطلاعات روز است.

اطلاعات روز، در فضای رسانه‌ای افغانستان، رسانه‌ای است که به جد می‌توان اسم رسانه مستقل را بر آن گذاشت. طرحی که به گفته ذکی دریایی صاحب امتیاز این روزنامه وزین، در اتاق مسافری میان چند تن از جوانان تازه فارغ شده از دانشگاه جرقه زد، پیگیری شد و قدرتمند و محکم آمد، آمد و آمد و هنوز هم مدیران و دست‌اندرکاران آن عزم راسخی برای ادامه راه دارند. کسانی که به صورت مستقیم با روزنامه و روزنامه‌نگاری به‌خصوص و کار رسانه‌ای در کل درگیرند، به‌خوبی می‌دانند که کشیدن بار مسئولیت یک رسانه‌ی مستقل در فضای پراشوب، پرتنش، پرهیاهو و پر وسوسه افغانستان چه امر دشواری است.

به عنوان یک خواننده که به صورت مداوم، این روزنامه را دنبال کرده‌ام، آن‌را دارای امضای خاص، دید ثابت و مشخص و سیاست روشن و مستقل یافته‌ام. سند من بایگانی غنی این روزنامه است. از استقلال این روزنامه به عنوان مهم‌ترین مشخصه آن که بگذریم، تنوع مطالب و بازتاب دیدگاه‌های مختلف در این روزنامه از دیگر مشخصات متمایز آن است. از مشخصات دیگر اطلاعات روز، ترجمه‌های رسا، روان و به موقع مقالات مهم روزنامه‌های غربی و مطالب مرتبط با افغانستان در این رسانه است.

این ترجمه‌ها از یک طرف به طیف وسیعی از مخاطبانی که

### هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz

6 Months

120\$ USD

Annual

200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکتهای

۳۰۰۰ افغانی

شش ماهه

۵۰۰۰ افغانی

یک ساله

برای متعلمین و محصلین

۲۰۰۰ افغانی

شش ماهه

۴۰۰۰ افغانی

یک ساله

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.

zaki.daryabi2@gmail.com

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریایی

jawad.najee@gmail.com

معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا

سرمدبیر: جواد ناجی

دبیر خبر: عصمت الله سروش

ویراستار: الیاس نو اندیش

صفحه آرا: صمیم صالحی و هادی دریایی

بازاریاب: محمد حسین جویا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲

ایمیل: [dailyetilaatroz@gmail.com](mailto:dailyetilaatroz@gmail.com)

آدرس: کابل، کارته سه، سرک سورا

شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶۰

مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۳۲



# خدمات حج و عمره

شماره تماس: 0766 92 92 92 | ایمیل آدرس: info@marktravel.af

آدرس: چهارراهی انصاری مقابل سیتی سنتر، کابل - افغانستان

- ویژه عمره
- تکت های رفت و برگشت
- هتل ۴ ستاره در مکه و مدینه
- خدمات ترانسپورتیشن
- راهنمای سفر (معلم)
- خدمات ۲۴ ساعته

Saturday | 30 January 2016 | Year 05 | Vol 1000 شنبه | ۱۰ دلو، ۱۳۹۴ | سال پنجم | شماره ۱۰۰۰

موضوع و نگاه نشریات غیرمستقل، پس از دگرگونی در روابط نیروهای سیاسی، آشنایییم. دگرگونی در موضع و نگاه منبع وابستگی، دگرگونی در موضع و نگاه نشریه را به دنبال دارد. این پدیده بیگانه نیست، و می‌تواند منبع مهم بی‌اعتباری برای مطبوعات کشور باشد. دیدن روزنامه‌ای که با دگرگونی در چیدمان نیروهای سیاسی، موضع و نگاهش دچار دگرگونی و تغییر نشود، زیبا و امیدبخش است. اطلاعات روز را شخصا چنین روزنامه‌ای یافته‌ام. باری، یکی از نویسندگان فرهیخته و دوست‌داشتنی کشور نوشته بود که در مدتی که ایشان برای اطلاعات روز نوشته است، حتی یک بار با اعتراض، دستور و یا پیشنهادی راجع به نوشته‌هایش از سوی مدیرمسئول روزنامه روبرو نشده است. نوشته‌های ایشان گاهی می‌تواند برای بعضی‌ها مایه‌ی عصبانیت و حساسیت باشند، اما این که مسئولان اطلاعات روز می‌گذارند ایشان آن‌چه را درست و صلاح می‌داند بنویسند، بسیار باارزش و مهم است. برای دست‌اندرکاران چنین روزنامه‌ی مستقل و آزادی، آرزوی ماندگاری و موفقیت می‌کنم.

مطبوعات امروز افغانستان، متنوع، زنده و امیدبخش است، و خانواده‌ی روزنامه‌نگاران کشور به یک نیروی مهم و تأثیرگذار تبدیل شده است. این واقعیت را می‌توان از واکنش گروه‌های تروریستی مثل طالبان به اهمیت قدرت و نقش مطبوعات امروز افغانستان هم درک کرد. اعلان جنگ علیه بخش‌هایی از روزنامه‌نگاران کشور از سوی طالبان نشان می‌دهد که این گروه متوجه شده است که مطبوعات امروز افغانستان، به نیروی کمابیش مستقل و مهمی تبدیل شده است و می‌تواند نقش محوری در شکل‌دادن گفتمان‌ها در کشور بازی کند. با این‌همه، مطبوعات مستقل افغانستان اما هنوز هم راه درازی پیش رو دارد، و با چالش‌های عظیمی روبرو است. تروریسم کور، یکی از این چالش‌ها است. روزنامه‌نگاربودن و روبروشدن با خشونت تروریستی، کار سختی است. پیشبرد حرفه‌ای با پذیرش خطرهای جدی و سنگین، کار آسانی نیست. اطلاعات روز با موضع ثابت و نگاهی مستقل از نگاه جناح‌ها، احزاب و نیروهای سیاسی/نظامی، سرمایه‌ی مهمی برای خانواده‌ی مطبوعات افغانستان است. ما همه با دگرگونی در

سال‌ها قبل، چند ماه در سال ۲۰۰۳، مدتی با تعداد دیگری از روزنامه‌نگاران افغانستان تلاش می‌کردیم اتحادیه‌ی روزنامه‌نگاران افغانستان را ایجاد کنیم. یک سازمان مدافع حقوق بشر غربی و تعداد کمی از روزنامه‌نگاران استرالیایی از طریق یکی از داوطلبان‌شان تلاش می‌کردند ما را یاری کنند. این پروژه در نهایت به آن چیزی نیانجامید که آرزوی ما را می‌کردیم، اما راه را برای گفت‌وگو و یک‌جاشدن بخش زیادی از روزنامه‌نگاران باز کرد. اینک پس از سال‌ها، وقتی به آن روزها فکر می‌کنم و روزگار آن روز روزنامه‌نگاران افغانستان را با امروز مقایسه می‌کنم، متوجه می‌شوم که لاف‌در این زمینه، افغانستان راه درازی را پیموده است. آن روزها، نشریه‌ی مستقل به‌ندرت به چشم می‌خورد، و قدرت‌مندان نفوذ عظیمی بر خانواده‌ی روزنامه‌نگاران افغانستان داشتند. اکثر نشریات، یا متعلق به گروه‌های سیاسی/نظامی بودند و یا سازمان‌های غیردولتی خارجی. اکثر نخبگان فرهنگی افغانستان هنوز به کشور برنگشته بودند، و وحشت دوران جنگ و حاکمیت طالبان هنوز کاملاً دامن برنچیده بود.



عبدالله وطندار

## موضع ثابت و نگاه مستقل

### داریانا افغان هوایی شرکت جهت عرضه خدمات بهتر هوایی و ایجاد سهولت به هموطنان عزیز تخفیف های ویژه را در قیمت تکت قرار نیک ارائه نموده است.

**خدمات مشتریان**

+93(0)790071333 +93(0)777071333  
+93(0)786071333 +93(0)700071333  
kابل@flyariana.com  
Skype: ariana.afghan.airlines

- 30% تخفیف برای دیپلمات های محترم
- 20% تخفیف برای کارمندان محترم دولت
- 20% تخفیف برای محصلین گرامی
- 20% تخفیف برای ورزش کاران پرافتخار کمیته ملی المپیک

بسته های جدید اینترنت از امتی ان

۳ بسته

انترنت هفته وار

۳ بسته

انترنت روزانه

۲ بسته

انترنت شبانه

۵ بسته

انترنت ماهوار

## به بسته های جدید اینترنت خوش آمدید

حالاتی ان برای شما بسته های قابل نیازتان را پیشکش مینماید. شما میتوانید در یکی از ۳ بسته روزانه، ۳ بسته هفته وار، ۵ بسته ماهوار و ۲ بسته شبانه اینترنت اشتراك نموده و کریدت خویش را پس انداز نمایید. برای معلومات به جدول ذیل مراجعه نمایید:

نوع بسته	حجم	هزینه بسته مدت اعتبار	طریقه فعال نمودن
روزانه	۴۰ م بی	۱۵ افغانی همان روز	۱۱ را به ۲۴۴ ارسال نمایید
	۱۰۰ م بی	۳۰ افغانی همان روز	۱۲ را به ۲۴۴ ارسال نمایید
	۲۰۰ م بی - ۵۰ م بی رایگان برای فیسبوک	۵۰ افغانی همان روز	۱۳ را به ۲۴۴ ارسال نمایید
هفته وار	۲۵۰ م بی	۷۵ افغانی ۷ روز	۲۱ را به ۳۴۴ ارسال نمایید
	۵۰۰ م بی	۱۵۰ افغانی ۷ روز	۲۲ را به ۳۴۴ ارسال نمایید
	۱ جی بی	۲۵۰ افغانی ۷ روز	۲۳ را به ۳۴۴ ارسال نمایید
ماهوار	۱ جی بی	۲۹۹ افغانی ۳۰ روز	۳۰ را به ۳۴۴ ارسال نمایید
	۲.۵ جی بی	۳۹۹ افغانی ۳۰ روز	۳۱ را به ۳۴۴ ارسال نمایید
	۴ جی بی - ۱۰۰ م بی رایگان برای فیسبوک	۴۹۹ افغانی ۳۰ روز	۳۲ را به ۳۴۴ ارسال نمایید
بسته های شبانه از ۱۱ شب الی ۷ صبح	۸ جی بی	۷۹۹ افغانی ۳۰ روز	۳۳ را به ۳۴۴ ارسال نمایید
	۱۵ جی بی	۱۳۹۹ افغانی ۳۰ روز	۳۴ را به ۳۴۴ ارسال نمایید
	۳۵ م بی	۲۵۰ افغانی ۱ روز	۳۱ را به ۳۴۴ ارسال نمایید
	۳.۵ جی بی	۱۷۵ افغانی ۳۰ روز	۳۲ را به ۳۴۴ ارسال نمایید

برای معلومات بیشتر به شماره ۷۷۹ در تماس شوید. ثبت و راجستر میسکارت حتی میباشد.

www.mtn.com.af | MTN-Afghanistan | @MTNAF | LinkedIn | MTN-Afghanistan | MTNAF

## با شما در همه جا